

خدمات حسابرسی در ایران : یک بازار و رویاهایی بی شمار

اکنون حدود ۲۰۰ موسسه‌ی متشکل از حسابداران رسمی در بازار خدمات حسابرسی در ایران فعالیت می‌کنند. به رغم شمار اندک موسسات در مقایسه با نیازهای حسابرسی در اقتصاد ایران به نظر می‌رسد اغلب این موسسات از وضعیت موجود بازار خدمات حسابرسی ناراضی‌اند. این عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازاری به این وسعت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ نگاه این موسسات به مشکلات خویش چه‌گونه است؟ چه دشواری‌هایی برای استمرار حیات در این بازار دارند؟ آینده‌ی موسسه‌ی خود و حرفه‌ی حسابرسی در ایران را چه‌گونه ارزیابی می‌کنند؟ و در برابر این چالش‌ها چه باید کرد؟

این‌ها برخی پرسش‌هایی است که از شماری از همکاران موسسات حسابرسی پرسیدیم. نظرگاه‌های این حسابداران رسمی به ترتیب الفبا در این بخش آمده است.

عرضه و تقاضای ناعادلانه در بازار خدمات حسابرسی

محسن آمون

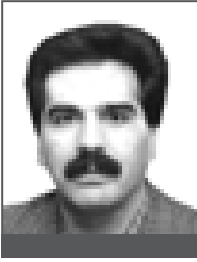
مدیر عامل آیین پژوهشگر محاسب



کیفیت واگذار نمی‌شود. با وجود نقش کلیدی موسسات در شرکت‌ها، هم اکنون سهم ما در بازار اقتصادی یک هزارم است چون به کار تخصصی ما بهایی داده نمی‌شود و قانونی که در آن بر حضور و کار ما تاکید شده ضمانت اجرایی ندارد. اکثر شرکت‌ها تصور می‌کنند در مقابل خدماتی که ما به آن‌ها عرضه می‌کنیم پول زور پرداخت می‌کنند و این اصلا عادلانه نیست.

هر سال بر حجم فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری افزوده می‌شود اما بازار کار خوبی برای آن‌ها وجود ندارد و اکثراً بی‌کار هستند چون موسسات هم به دلایلی که عنوان کردم توان جذب نیروی انسانی چندانی را ندارند.

بیش‌تر موسسات حسابرسی با مشکل تقاضا و عرضه‌ی کار مواجه هستند. چون تعادلی در این زمینه وجود ندارد، آنها هم ناگزیرند قیمت کارشان را کاهش دهند تا بتوانند پابرجا بمانند. برای موسسات حسابرسی بازار رقابت عادلانه نیست. چون برای گرفتن کار حسابرسی از شرکت‌ها حتماً باید رابطه وجود داشته باشد، برای همین شما می‌بینید در حالیکه یک موسسه‌ی قدیمی با کیفیت کار بالا و نیروی متخصص، در سال حسابرسی چهار یا پنج شرکت را انجام می‌دهد، در مقابل یک موسسه‌ی جوان و تازه‌کار دو تا سه برابر کار دارد. البته ما هم جوان هستیم و از اوایل سال ۱۳۸۷ کارمان را آغاز کردیم و از ابتدا هم مشکل جذب کار داشتیم چون کارها بر اساس توان و



الزام در استفاده از خدمات حسابرسی

محمد دلیرانی

رئیس هیات مدیره بهنود ارقام

موسسات حسابرسی به دلیل شرایط بد بازار کار اخیراً با مشکل دریافت مطالبات خود مواجه هستند و برخی هم بدهی معوق از شرکت‌ها دارند و این موارد شرایط کار را برای برخی موسسات بسیار سخت کرده است. چون پرداختی شرکت‌ها به موسسات به صورت اقساط انجام می‌شود و مدتی است که این پرداختها منظم انجام نمی‌شود.

همچنین ما ناگزیریم برای حفظ بازار اندک کاری دستمزدمان را سالانه افزایش ندهیم، لذا گاهی برخی موسسات برای ادامه‌ی حیات از برخی هزینه‌های خود کم کنند و مثلاً بسیاری از آن‌ها تعدیل نیرو انجام می‌دهند. این در شرایطی که تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته روزبه‌روز افزایش می‌یابد.

متأسفانه با وجودی که در سال ۱۳۸۸ قانونی تصویب شد و بر اساس آن شرکت‌ها ملزم به استفاده از خدمات حسابرسی شدند اما چون این قانون جنبه‌ی الزامی ندارد، برای همین ما در شرایط کنونی در اقتصاد کشور هیچ جایگاهی نداریم. در حالی که مطابق قانون تمام معاملات در بازار باید با گزارش‌های مالی ما انجام شود. بنابراین باید در قانون سازوکاری گذاشته شود تا شرکت‌هایی که این مهم را اجرا نمی‌کنند به گونه‌ای توبیخ شوند مثلاً جریمه‌ی علی‌الراس برای آن‌ها در نظر گرفته شود.

ما از نظر قانون مشکلی نداریم چون در تمام قوانین مالی به جایگاه ما اشاره شده است اما این قوانین به‌درستی اجرا نمی‌شوند. و تنها اگر مجریان این دقت را داشته باشند جایگاه ما دوباره احیا خواهد شد.

تقسیم ناعادلانه کار

مرتضی رحمانی یگانه

عضو هیات مدیره بهروش پارس

متأسفانه تقسیم کار در بازار موسسات حسابرسی عادلانه نیست و همه چیز براساس رابطه انجام می‌شود. یعنی اگر یکی از اعضای موسسه‌ی شما در فلان شرکت داشته باشد کار حسابرسی به آن‌ها واگذار می‌شود. البته گاهی هم برخی موسسات نرخ کم‌تری به شرکت‌ها پیشنهاد می‌دهند و در این صورت با نرخ‌شکنی کار سایر موسسات را زیر سوال می‌برند. بنابراین ملاحظه می‌کنید که شرکت‌ها به کیفیت کار موسسات اهمیتی نمی‌دهند و این مشکلی است که خود موسسات آن را به وجود آورده‌اند. در حالی که در تمام دنیا کار موسسات حسابرسی از لحاظ کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



زمانی برای مناقصه‌ها

حسین خطیبیان

مدیرعامل آریا حسابرسان پارسا

هرچند که ظاهراً بازار خدمات حسابرسی نسبتاً بزرگ به‌نظر می‌رسد لیکن تقاضا از طرف صاحب‌کار کم‌تر مشاهده می‌شود زیرا اصولاً ارجاع کار به موجب تقاضا و عرضه نبوده و عمده‌ی موارد بر اساس روابط صورت می‌پذیرد.

بدین معنی که در اکثر موارد متقاضیان مستقیماً به حسابرسان مراجعه و درخواست حسابرسی نمی‌کنند بلکه بر اساس رابطه یا آشنایی قبلی و یا توصیه، ارجاع کار می‌شود.

آن تعداد که به‌طور مستقیم متقاضی و مراجعه می‌نمایند عمدتاً بر اساس استعلام بها و یا مناقصه اقدام می‌نمایند. اما با حضور حسابرسان در استعلام بها یا مناقصه، بازار ناسالم می‌شود زیرا در چنین شرایطی نازل‌ترین قیمت پذیرفته می‌شود و بنابراین قطعاً کیفیت دچار خدشه می‌گردد. این در حالی‌ست که موسسات حسابرسی به موجب ضوابط و مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی مجاز به شرکت در استعلام بها و مناقصه نیستند. هرچند ملاحظه می‌شود که همکاران برای جذب کار در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند و لذا ماهیت تخصصی و حرفه‌ای بودن حسابرسی را خدشه‌دار کرده و با ارائه‌ی قیمت‌های پایین کیفیت تنزل می‌یابد.

بنابراین برای متحول کردن بازار خدمات حسابرسی ضرورت دارد متولیان حرفه از جمله جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران برای این خدمت تخصصی و حرفه‌ای با توجه به حجم کار، تعرفه تعیین و پیشنهاد کنند تا حرفه دچار استعلام و مناقصه نشود و لذا هم متقاضیان خدمات حسابرسی تکلیف خود را می‌دانند و مجبور نیستند به بهانه‌ی رعایت آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی تن به استعلام یا مناقصه بدهند.

در این راستا ضرورت دارد ترتیبی اتخاذ شود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی جزو نرخ‌های مصوب طبقه‌بندی و در آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی در عداد مستثنیات شناخته شود. لازم است جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با پایدار کردن ضوابط و مقررات لازم‌الاجرا حضور موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی را در استعلام بها و مناقصه اکیداً قدغن و ممنوع کند و جرایم و مجازات‌هایی در این موارد تعیین و پیش‌بینی گردد.

به نظر من، هر چند احتمال برخی مخالفت‌ها در برقراری تعرفه محتمل است لیکن برای حفظ بازار خدمات حسابرسی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها برقراری تعرفه‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ضروری است و همان‌طوری‌که سازمان حسابرسی نرخ مصوب برای رده‌های حسابرسی از شورای اقتصاد دریافت کرده برای اعضای جامعه نیز می‌تواند با توجه به حجم عملیات مالی تسری یابد.



در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرس افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

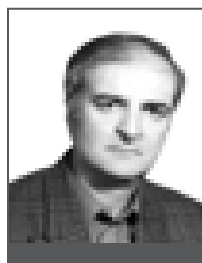
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدور بخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید در خصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی



حساب‌سازی، مشکل حسابرسی

زیداله مشکاتی

شریک موسسه حسابرسی و خدمات مالی آبان روش

حسابرسی است. اگرچه قوانین و مقررات خوبی انشا شده است اما در اجرا ناکارآمد است. چرا که حسابرسی از جبر است نه اختیار. شرکت‌ها تمایلی به حساب‌دهی ندارند و زمانی به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند که نیازمند حسابرسی برای گرفتن وام و... هستند. این نوع نگاه به حسابرسی موجب شده بازار خدمات حسابرسی محدود شود. برگزاری مناقصه برای حسابرسی نیز به تنگ‌تر شدن دایره‌ی فعالیت حساب‌رسان منجر شده است و موسسات کوچک برای تداوم بقا نرخ‌شکنی می‌کنند. تا زمانی که نگاه به حسابرسی در جامعه‌ی ما با دانش و آگاهی و توجه به مزایای شفافیت اطلاعاتی همراه نباشد، بازار خدمات حسابرسی محدود خواهد ماند.



ما تحمیل شدیم

رسول نصیری خوبدهی

مدیر عامل موسسه حسابرسی پرسپان یاد

اکثر موسسات حسابرسی نیروهای متخصص و کارآمدی دارند که به دلیل داشتن کار فصلی و درآمد پایین مجبورند کم‌تر از خدمات تخصصی آن‌ها استفاده کنند. در حال حاضر، اوج کار موسسات در تیرماه و ۶ ماه اول سال است و بعد از آن باید حقوق کارمندان به قولی از جیب پرداخت کنند و این در شرایط اقتصادی امروز اصلاً منصفانه نیست، لذا ناگزیر به تعدیل نیروهای متخصص خود هستیم. به نظر بنده، متأسفانه با وجودی که در قانون بر حضور موسسات حسابرسی تأکید شده اما جایگاه حقوقی نداریم و به شرکت‌ها تحمیل شدیم. آن‌ها ناگزیر به استفاده از خدمات ما هستند و تا جایی که امکان داشته باشد از حسابرسی فرار می‌کنند. در حالی که برای شفاف‌سازی معاملات در بازار اقتصادی، حسابرسی مالی شرکت‌ها امری ضروری و قطعی است. عمده‌ی فعالیت موسسات با شرکت‌های خصوصی است که اگر خصوصی‌سازی طبق قانون مصوب انجام شود کار ما هم رونق خواهد گرفت، هرچند که در شرایط فعلی اقتصاد، اکثر شرکت‌های خصوصی بدهی معوق به موسسات دارند. اگر از رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات حسابرسی جلوگیری شود و تقسیم کار عادلانه باشد در این صورت موسسات حسابرسی می‌توانند به جایگاه واقعی خود در کشور هم برسند چون ما از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و قانون به درستی وظیفه‌ی ما را در مقابل شرکت‌ها و بالعکس شرح داده است.

حسابرسی مهم‌ترین مشکل در جامعه‌ی است که بیش‌تر افراد تمایلی به حساب‌دهی نداشته و به جای آن حساب‌سازی را دوست دارند. در چنین شرایطی، نه تنها واقعیت‌ها درست منعکس نمی‌شود بلکه ارجاع کار به موسسات حسابرسی کم‌تر و آن‌هم از روی اجبار است. جالب آن‌که در چنین بازار محدودی، حسابرسی نیز تاحدودی همچون دیگر بخش‌ها متأثر از روابط است و در روابط گاهی مسایلی همچون انتفاع هیات مدیره‌ی شرکت‌ها محوریت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، ارجاع کار به حساب‌رسانی که بخواهند سالم کار کنند، کم‌تر شده و حجم کارشان کاهش می‌یابد که این موضوع یکی از معضلات موسسات حسابرسی در ایران است.

برای آن‌که در جامعه‌ی گردش معقول اطلاعات اتفاق بیفتد و از گردش مالی غلط جلوگیری شود نیاز به دو سیستم است نخست قوه قضاییه‌ی مستقل و دیگر مطبوعات آزاد. در جامعه‌ی که مطبوعات آزاد وجود داشته باشد، کم‌تر حساب‌سازی اتفاق می‌افتد. بازار خدمات حسابرسی عام در ایران، جایگاهی در نظام اقتصادی ندارد چرا که جایگاه اقتصادی این موسسات متکی به شراکت و تا نتوانند از عهده‌ی هزینه‌هایشان برآیند، جایگاهی در نظام اقتصادی نخواهند داشت. این در حالی است که موسسات موسسات باید از منابع معقول مالی برخوردار باشند تا از عهده‌ی هزینه‌های اولیه برآمده و به نقطه‌ی سر به سر برسند بنابراین فقط با تکیه به دانش نمی‌توان موسسه تاسیس کرد.

موسسات حسابرسی جایگاه اقتصادی خاصی در جامعه‌ی ما ندارند. به دلیل آن‌که سطح قراردادهای کم بوده، رقابت کاذب بین موسسات حسابرسی برای گرفتن کار ایجاد می‌شود که این موضوع گاهی به شکسته شدن قیمت‌ها نیز منجر می‌شود. به نحوی که برای انتخاب حسابرس گاهی آگهی مناقصه داده یا استعلام مستقیم قیمت از موسسات حسابرسی می‌کنند تا به کم‌ترین قیمت پیشنهادی کار را واگذار کنند و در این شرایط فعالیت حرفه‌ای و اعتبار حسابرس نادیده گرفته می‌شود و فقط قیمت معیار اصلی برای واگذاری کار است. و کیفیت کار حسابرسی که مهم‌ترین فاکتور ارزیابی حسابرسی است نادیده گرفته می‌شود. مناقصه برای کار حسابرسی یکی از مشکلاتی است که فعالیت حرفه‌ای را متأثر کرده است. حسابرس، پیمانکار نیست که برای آن آگهی داده شود تا جایی که برخی همکاران مجبور شوند نرخ را بدهند که اعتقادی به آن ندارند. گرفتن کار برای موسسات حسابرسی همچون دیگر بخش‌های جامعه بستگی به روابط؛ نرخ پایین و همراهی با شرکت مورد تقاضا را دارد که البته موارد اول و دوم اجتناب‌ناپذیر است و خوشبختانه تعداد حساب‌رسانی که به حرفه‌ی خود پایبند نیستند، بسیار اندک است. عدم اجرای درست قوانین و مقررات دیگر مشکل موسسات



حساب‌سازی، مشکل حسابرسی

زیداله مشکاتی

شریک موسسه حسابرسی و خدمات مالی آبان روش

حسابرسی است. اگرچه قوانین و مقررات خوبی انشا شده است اما در اجرا ناکارآمد است. چرا که حسابرسی از جبر است نه اختیار. شرکت‌ها تمایلی به حساب‌دهی ندارند و زمانی به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند که نیازمند حسابرسی برای گرفتن وام و... هستند. این نوع نگاه به حسابرسی موجب شده بازار خدمات حسابرسی محدود شود. برگزاری مناقصه برای حسابرسی نیز به تنگ‌تر شدن دایره‌ی فعالیت حساب‌رسان منجر شده است و موسسات کوچک برای تداوم بقا نرخ‌شکنی می‌کنند. تا زمانی که نگاه به حسابرسی در جامعه‌ی ما با دانش و آگاهی و توجه به مزایای شفافیت اطلاعاتی همراه نباشد، بازار خدمات حسابرسی محدود خواهد ماند.



ما تحمیل شدیم

رسول نصیری خوبدهی

مدیر عامل موسسه حسابرسی پرسپان یاد

اکثر موسسات حسابرسی نیروهای متخصص و کارآمدی دارند که به دلیل داشتن کار فصلی و درآمد پایین مجبورند کم‌تر از خدمات تخصصی آن‌ها استفاده کنند. در حال حاضر، اوج کار موسسات در تیرماه و ۶ ماه اول سال است و بعد از آن باید حقوق کارمندان به قولی از جیب پرداخت کنند و این در شرایط اقتصادی امروز اصلاً منصفانه نیست، لذا ناگزیر به تعدیل نیروهای متخصص خود هستیم. به نظر بنده، متأسفانه با وجودی که در قانون بر حضور موسسات حسابرسی تأکید شده اما جایگاه حقوقی نداریم و به شرکت‌ها تحمیل شدیم. آن‌ها ناگزیر به استفاده از خدمات ما هستند و تا جایی که امکان داشته باشد از حسابرسی فرار می‌کنند. در حالی که برای شفاف‌سازی معاملات در بازار اقتصادی، حسابرسی مالی شرکت‌ها امری ضروری و قطعی است. عمده‌ی فعالیت موسسات با شرکت‌های خصوصی است که اگر خصوصی‌سازی طبق قانون مصوب انجام شود کار ما هم رونق خواهد گرفت، هرچند که در شرایط فعلی اقتصاد، اکثر شرکت‌های خصوصی بدهی معوق به موسسات دارند. اگر از رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات حسابرسی جلوگیری شود و تقسیم کار عادلانه باشد در این صورت موسسات حسابرسی می‌توانند به جایگاه واقعی خود در کشور هم برسند چون ما از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و قانون به درستی وظیفه‌ی ما را در مقابل شرکت‌ها و بالعکس شرح داده است.

حسابرسی مهم‌ترین مشکل در جامعه‌ی است که بیش‌تر افراد تمایلی به حساب‌دهی نداشته و به جای آن حساب‌سازی را دوست دارند. در چنین شرایطی، نه تنها واقعیت‌ها درست منعکس نمی‌شود بلکه ارجاع کار به موسسات حسابرسی کم‌تر و آن‌هم از روی اجبار است. جالب آن‌که در چنین بازار محدودی، حسابرسی نیز تاحدودی همچون دیگر بخش‌ها متأثر از روابط است و در روابط گاهی مسایلی همچون انتفاع هیات مدیره‌ی شرکت‌ها محوریت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، ارجاع کار به حساب‌رسانی که بخواهند سالم کار کنند، کم‌تر شده و حجم کارشان کاهش می‌یابد که این موضوع یکی از معضلات موسسات حسابرسی در ایران است.

برای آن‌که در جامعه‌ی گردش معقول اطلاعات اتفاق بیفتد و از گردش مالی غلط جلوگیری شود نیاز به دو سیستم است نخست قوه قضاییه‌ی مستقل و دیگر مطبوعات آزاد. در جامعه‌ی که مطبوعات آزاد وجود داشته باشد، کم‌تر حساب‌سازی اتفاق می‌افتد. بازار خدمات حسابرسی عام در ایران، جایگاهی در نظام اقتصادی ندارد چرا که جایگاه اقتصادی این موسسات متکی به شراکت و تا نتوانند از عهده‌ی هزینه‌هایشان برآیند، جایگاهی در نظام اقتصادی نخواهند داشت. این در حالی است که موسسات موسسات باید از منابع معقول مالی برخوردار باشند تا از عهده‌ی هزینه‌های اولیه برآمده و به نقطه‌ی سر به سر برسند بنابراین فقط با تکیه به دانش نمی‌توان موسسه تاسیس کرد.

موسسات حسابرسی جایگاه اقتصادی خاصی در جامعه‌ی ما ندارند. به دلیل آن‌که سطح قراردادهای کم بوده، رقابت کاذب بین موسسات حسابرسی برای گرفتن کار ایجاد می‌شود که این موضوع گاهی به شکسته شدن قیمت‌ها نیز منجر می‌شود. به نحوی که برای انتخاب حسابرس گاهی آگهی مناقصه داده یا استعلام مستقیم قیمت از موسسات حسابرسی می‌کنند تا به کم‌ترین قیمت پیشنهادی کار را واگذار کنند و در این شرایط فعالیت حرفه‌ای و اعتبار حسابرس نادیده گرفته می‌شود و فقط قیمت معیار اصلی برای واگذاری کار است. و کیفیت کار حسابرسی که مهم‌ترین فاکتور ارزیابی حسابرسی است نادیده گرفته می‌شود. مناقصه برای کار حسابرسی یکی از مشکلاتی است که فعالیت حرفه‌ای را متأثر کرده است. حسابرس، پیمانکار نیست که برای آن آگهی داده شود تا جایی که برخی همکاران مجبور شوند نرخ را بدهند که اعتقادی به آن ندارند. گرفتن کار برای موسسات حسابرسی همچون دیگر بخش‌های جامعه بستگی به روابط؛ نرخ پایین و همراهی با شرکت مورد تقاضا را دارد که البته موارد اول و دوم اجتناب‌ناپذیر است و خوشبختانه تعداد حساب‌رسانی که به حرفه‌ی خود پایبند نیستند، بسیار اندک است. عدم اجرای درست قوانین و مقررات دیگر مشکل موسسات



شناخت جایگاه واقعی حسابرسی

سید هادی علی پور

عضو هیات مدیره بهرنگ روش

قبوض به حساب سازمان مالیاتی ریخته می‌شود، مشکلاتی برای موسسات به همراه دارد چون سازمان مالیاتی از ما تاییدیه می‌خواهد و ما باید نیرویی را به این شهرستان‌ها برای جمع‌آوری تاییدیه اعزام کنیم که بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است و لازم است در این باره بازنگری اساسی انجام شود.

باید توجه داشت که موسسات حسابرسی در تمام دنیا وجهه و اعتبار خاصی دارند، چون تمام دادوستدهای اقتصادی با اطمینان از صورت‌های مالی این موسسات انجام می‌شود، مثلاً در بورس سهام‌داران با حسابرسی موسسات خریدوفروش انجام می‌دهند. بنابراین ما از استقلال حرفه‌ای برخورداریم و هرچند فعالیت اقتصادی نداریم اما در اقتصاد جایگاه ویژه‌ای داریم و بیش‌تر خدمت‌دهنده هستیم. البته در این مدت اخیر فعالیت‌های اقتصادی کم‌وبیش بر کار ما هم اثر گذاشته و حجم کار ما ناخواسته کم شده است.



رشد ناچیز دستمزدها

علی مشرفی ارانی

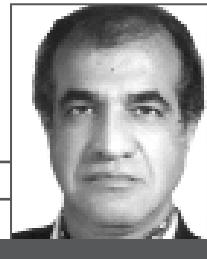
رئیس هیات مدیره‌ی بهمن

با توجه به حجم کار، متأسفانه در سال‌های اخیر دستمزدها رشد ناچیزی داشته و از سوی دیگر پرداخت اقساط دستمزدها هم از سوی شرکت‌ها به تعویق افتاده است. چون ۸۰ درصد حق‌الزحمه‌ی ما صرف حقوق کارکنان می‌شود، رشد درآمدی در این مدت نداشتیم و بسیاری از موسسات به سختی قادر به فعالیت هستند.

همان‌طور که می‌دانید مطابق قانون حسابرسی در شرکت‌ها الزامی است و از آن‌جایی که حجم بالایی از کار ما بیش‌تر با شرکت‌های خصوصی است، در این آشفته‌بازار اقتصادی چون آن‌ها تحت هر شرایطی موجودیت خود را حفظ کرده‌اند لذا ما هم توانسته‌ایم در این بازار دوام داشته باشیم. خوشبختانه با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری، به دلیل رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات آن‌ها به راحتی جذب بازار کار می‌شوند. لذا کمک ما به اقتصاد کشور نه تنها شفاف‌سازی صورت‌های مالی موسسات و شرکت‌ها است بلکه نیروی فارغ‌التحصیل این رشته را هم به خدمت می‌گیریم.

با این شرایط، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران باید رویه‌ای اجرا کنند تا بر مبنای آن قیمت‌های حسابرسی اصولی تعیین شود و موسسات مشکل تعیین دستمزد یا عدم پرداخت به‌موقع را نداشته باشند چون هر قدر اعتمادسازی دوطرفه باشد کارها با سهولت بیش‌تری انجام خواهد شد.

رقابت در بازار کار حسابرسی فوق‌العاده بی‌بندوبار است و همکاران بدون این که ارزش کار خود را بدانند برای داشتن کار رقم‌های ناچیزی پیشنهاد می‌دهند و برای همین شرکت‌ها هم از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که باید نرخ‌ها واقعی تعیین شود و برای مثال یک کار ۵ میلیون تومانی با ۳ میلیون تومان انجام نشود، در این صورت ادامه‌ی کار برای همه‌ی موسسات حسابرسی میسر خواهد شد و کیفیت کار هم افزایش می‌یابد. متأسفانه به دلیل تورم و رکود و مشکل نقدینگی، برخی شرکت‌ها با زیان روبه‌رو هستند و نمی‌توانند دستمزد موسسات را به‌موقع پرداخت کنند و گویا اخیراً این وضعیت تبدیل مرسوم شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که موسسات برای دوام ناگزیر هستند از نیروی ماهر و متخصص خود بکاهند یا در قبال زحمتی که آن‌ها متقبل می‌شوند دستمزد ناچیزی پرداخت کنند که تمام این موارد نارضایتی به همراه دارد. از نظر قانون جایگاه خوبی برای موسسات پیش‌بینی شده است اما باید شرایط اجرای آن هم وجود داشته باشد و هر کس بنا به سلیقه با موسسات رفتار نکند چون در تمام دنیا صورت‌های مالی یک شرکت که از طرف یک موسسه‌ی حسابرسی ارائه می‌شود اهمیت فراوانی در معاملات دارد. شاید هنوز در کشور ما نیاز به زمان بیش‌تری برای شناخت جایگاه واقعی موسسات وجود دارد و باید در کنار قوانین جامع کار فرهنگ‌سازی هم صورت گیرد.



سازمان مالیاتی و مشکل قبوض مالیاتی

قاسم مرآت‌ی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی بیات رایان

مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی از نظر من حسابرسی‌های مالیاتی است که بحثی فنی است و سال‌هاست موسسات با آن روبه‌رو هستند و جلسه‌های زیادی هم برگزار شده که تاکنون بی‌نتیجه بوده است. باید از نقطه‌نظر اجرای قوانین و بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود به‌درستی تبیین شوند و سازمان امور مالیاتی بررسی‌هایی را روی این گزارش‌ها انجام دهد. اما نکته‌ی بعدی که باید به آن اشاره کنم قبوض ۵ درصد مالیاتی است که از حق‌الزحمه‌ی موسسات توسط سازمان مالیاتی کم می‌شود، از آن‌جایی که موسسات در سرتاسر کشور حسابرسی شرکت‌ها را انجام می‌دهند و در هر شهرستان این



شناخت جایگاه واقعی حسابرسی

سید هادی علی پور

عضو هیات مدیره بهرنگ روش

قبوض به حساب سازمان مالیاتی ریخته می‌شود، مشکلاتی برای موسسات به همراه دارد چون سازمان مالیاتی از ما تاییدیه می‌خواهد و ما باید نیرویی را به این شهرستان‌ها برای جمع‌آوری تاییدیه اعزام کنیم که بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است و لازم است در این باره بازنگری اساسی انجام شود.

باید توجه داشت که موسسات حسابرسی در تمام دنیا وجهه و اعتبار خاصی دارند، چون تمام دادوستدهای اقتصادی با اطمینان از صورت‌های مالی این موسسات انجام می‌شود، مثلاً در بورس سهام‌داران با حسابرسی موسسات خریدوفروش انجام می‌دهند. بنابراین ما از استقلال حرفه‌ای برخورداریم و هرچند فعالیت اقتصادی نداریم اما در اقتصاد جایگاه ویژه‌ای داریم و بیش‌تر خدمت‌دهنده هستیم. البته در این مدت اخیر فعالیت‌های اقتصادی کم‌وبیش بر کار ما هم اثر گذاشته و حجم کار ما ناخواسته کم شده است.



رشد ناچیز دستمزدها

علی مشرفی ارانی

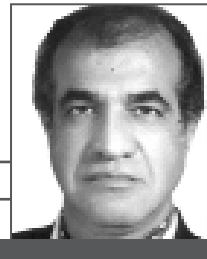
رئیس هیات مدیره‌ی بهمند

با توجه به حجم کار، متأسفانه در سال‌های اخیر دستمزدها رشد ناچیزی داشته و از سوی دیگر پرداخت اقساط دستمزدها هم از سوی شرکت‌ها به تعویق افتاده است. چون ۸۰ درصد حق‌الزحمه‌ی ما صرف حقوق کارکنان می‌شود، رشد درآمدی در این مدت نداشتیم و بسیاری از موسسات به سختی قادر به فعالیت هستند.

همان‌طور که می‌دانید مطابق قانون حسابرسی در شرکت‌ها الزامی است و از آن‌جایی که حجم بالایی از کار ما بیش‌تر با شرکت‌های خصوصی است، در این آشفته‌بازار اقتصادی چون آن‌ها تحت هر شرایطی موجودیت خود را حفظ کرده‌اند لذا ما هم توانسته‌ایم در این بازار دوام داشته باشیم. خوشبختانه با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری، به دلیل رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات آن‌ها به راحتی جذب بازار کار می‌شوند. لذا کمک ما به اقتصاد کشور نه تنها شفاف‌سازی صورت‌های مالی موسسات و شرکت‌ها است بلکه نیروی فارغ‌التحصیل این رشته را هم به خدمت می‌گیریم.

با این شرایط، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران باید رویه‌ای اجرا کنند تا بر مبنای آن قیمت‌های حسابرسی اصولی تعیین شود و موسسات مشکل تعیین دستمزد یا عدم پرداخت به‌موقع را نداشته باشند چون هر قدر اعتمادسازی دوطرفه باشد کارها با سهولت بیش‌تری انجام خواهد شد.

رقابت در بازار کار حسابرسی فوق‌العاده بی‌بندوبار است و همکاران بدون این که ارزش کار خود را بدانند برای داشتن کار رقم‌های ناچیزی پیشنهاد می‌دهند و برای همین شرکت‌ها هم از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که باید نرخ‌ها واقعی تعیین شود و برای مثال یک کار ۵ میلیون تومانی با ۳ میلیون تومان انجام نشود، در این صورت ادامه‌ی کار برای همه‌ی موسسات حسابرسی میسر خواهد شد و کیفیت کار هم افزایش می‌یابد. متأسفانه به دلیل تورم و رکود و مشکل نقدینگی، برخی شرکت‌ها با زیان روبه‌رو هستند و نمی‌توانند دستمزد موسسات را به‌موقع پرداخت کنند و گویا اخیراً این وضعیت تبدیل مرسوم شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که موسسات برای دوام ناگزیر هستند از نیروی ماهر و متخصص خود بکاهند یا در قبال زحمتی که آن‌ها متقبل می‌شوند دستمزد ناچیزی پرداخت کنند که تمام این موارد نارضایتی به همراه دارد. از نظر قانون جایگاه خوبی برای موسسات پیش‌بینی شده است اما باید شرایط اجرای آن هم وجود داشته باشد و هر کس بنا به سلیقه با موسسات رفتار نکند چون در تمام دنیا صورت‌های مالی یک شرکت که از طرف یک موسسه‌ی حسابرسی ارائه می‌شود اهمیت فراوانی در معاملات دارد. شاید هنوز در کشور ما نیاز به زمان بیش‌تری برای شناخت جایگاه واقعی موسسات وجود دارد و باید در کنار قوانین جامع کار فرهنگ‌سازی هم صورت گیرد.



سازمان مالیاتی و مشکل قبوض مالیاتی

قاسم مرآت‌ی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی بیات رایان

مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی از نظر من حسابرسی‌های مالیاتی است که بحثی فنی است و سال‌هاست موسسات با آن روبه‌رو هستند و جلسه‌های زیادی هم برگزار شده که تاکنون بی‌نتیجه بوده است. باید از نقطه‌نظر اجرای قوانین و بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود به‌درستی تبیین شوند و سازمان امور مالیاتی بررسی‌هایی را روی این گزارش‌ها انجام دهد. اما نکته‌ی بعدی که باید به آن اشاره کنم قبوض ۵ درصد مالیاتی است که از حق‌الزحمه‌ی موسسات توسط سازمان مالیاتی کم می‌شود، از آن‌جایی که موسسات در سرتاسر کشور حسابرسی شرکت‌ها را انجام می‌دهند و در هر شهرستان این



الزام در استفاده از خدمات حسابرسی

محمد دلیرانی

رئیس هیات مدیره بهنود ارقام

موسسات حسابرسی به دلیل شرایط بد بازار کار اخیراً با مشکل دریافت مطالبات خود مواجه هستند و برخی هم بدهی معوق از شرکت‌ها دارند و این موارد شرایط کار را برای برخی موسسات بسیار سخت کرده است. چون پرداختی شرکت‌ها به موسسات به صورت اقساط انجام می‌شود و مدتی است که این پرداختها منظم انجام نمی‌شود.

همچنین ما ناگزیریم برای حفظ بازار اندک کاری دستمزدمان را سالانه افزایش ندهیم، لذا گاهی برخی موسسات برای ادامه‌ی حیات از برخی هزینه‌های خود کم کنند و مثلاً بسیاری از آن‌ها تعدیل نیرو انجام می‌دهند. این در شرایطی که تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته روزبه‌روز افزایش می‌یابد.

متأسفانه با وجودی که در سال ۱۳۸۸ قانونی تصویب شد و بر اساس آن شرکت‌ها ملزم به استفاده از خدمات حسابرسی شدند اما چون این قانون جنبه‌ی الزامی ندارد، برای همین ما در شرایط کنونی در اقتصاد کشور هیچ جایگاهی نداریم. در حالی که مطابق قانون تمام معاملات در بازار باید با گزارش‌های مالی ما انجام شود. بنابراین باید در قانون سازوکاری گذاشته شود تا شرکت‌هایی که این مهم را اجرا نمی‌کنند به گونه‌ای توبیخ شوند مثلاً جریمه‌ی علی‌الراس برای آن‌ها در نظر گرفته شود.

ما از نظر قانون مشکلی نداریم چون در تمام قوانین مالی به جایگاه ما اشاره شده است اما این قوانین به‌درستی اجرا نمی‌شوند. و تنها اگر مجریان این دقت را داشته باشند جایگاه ما دوباره احیا خواهد شد.

تقسیم ناعادلانه کار

مرتضی رحمانی یگانه

عضو هیات مدیره بهروش پارس

متأسفانه تقسیم کار در بازار موسسات حسابرسی عادلانه نیست و همه چیز براساس رابطه انجام می‌شود. یعنی اگر یکی از اعضای موسسه‌ی شما در فلان شرکت داشته باشد کار حسابرسی به آن‌ها واگذار می‌شود. البته گاهی هم برخی موسسات نرخ کم‌تری به شرکت‌ها پیشنهاد می‌دهند و در این صورت با نرخ‌شکنی کار سایر موسسات را زیر سوال می‌برند. بنابراین ملاحظه می‌کنید که شرکت‌ها به کیفیت کار موسسات اهمیتی نمی‌دهند و این مشکلی است که خود موسسات آن را به وجود آورده‌اند. در حالی که در تمام دنیا کار موسسات حسابرسی از لحاظ کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



زمانی برای مناقصه‌ها

حسین خطیبیان

مدیرعامل آریا حسابرسان پارسا

هرچند که ظاهراً بازار خدمات حسابرسی نسبتاً بزرگ به‌نظر می‌رسد لیکن تقاضا از طرف صاحب‌کار کم‌تر مشاهده می‌شود زیرا اصولاً ارجاع کار به موجب تقاضا و عرضه نبوده و عمده‌ی موارد بر اساس روابط صورت می‌پذیرد.

بدین معنی که در اکثر موارد متقاضیان مستقیماً به حسابرسان مراجعه و درخواست حسابرسی نمی‌کنند بلکه بر اساس رابطه یا آشنایی قبلی و یا توصیه، ارجاع کار می‌شود.

آن تعداد که به‌طور مستقیم متقاضی و مراجعه می‌نمایند عمدتاً بر اساس استعلام بها و یا مناقصه اقدام می‌نمایند. اما با حضور حسابرسان در استعلام بها یا مناقصه، بازار ناسالم می‌شود زیرا در چنین شرایطی نازل‌ترین قیمت پذیرفته می‌شود و بنابراین قطعاً کیفیت دچار خدشه می‌گردد. این در حالی‌ست که موسسات حسابرسی به موجب ضوابط و مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی مجاز به شرکت در استعلام بها و مناقصه نیستند. هرچند ملاحظه می‌شود که همکاران برای جذب کار در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند و لذا ماهیت تخصصی و حرفه‌ای بودن حسابرسی را خدشه‌دار کرده و با ارائه‌ی قیمت‌های پایین کیفیت تنزل می‌یابد.

بنابراین برای متحول کردن بازار خدمات حسابرسی ضرورت دارد متولیان حرفه از جمله جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران برای این خدمت تخصصی و حرفه‌ای با توجه به حجم کار، تعرفه تعیین و پیشنهاد کنند تا حرفه دچار استعلام و مناقصه نشود و لذا هم متقاضیان خدمات حسابرسی تکلیف خود را می‌دانند و مجبور نیستند به بهانه‌ی رعایت آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی تن به استعلام یا مناقصه بدهند.

در این راستا ضرورت دارد ترتیبی اتخاذ شود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی جزو نرخ‌های مصوب طبقه‌بندی و در آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی در عداد مستثنیات شناخته شود. لازم است جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با پایدار کردن ضوابط و مقررات لازم‌الاجرا حضور موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی را در استعلام بها و مناقصه اکیداً قدغن و ممنوع کند و جرایم و مجازات‌هایی در این موارد تعیین و پیش‌بینی گردد.

به نظر من، هر چند احتمال برخی مخالفت‌ها در برقراری تعرفه محتمل است لیکن برای حفظ بازار خدمات حسابرسی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها برقراری تعرفه‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ضروری است و همان‌طوری‌که سازمان حسابرسی نرخ مصوب برای رده‌های حسابرسی از شورای اقتصاد دریافت کرده برای اعضای جامعه نیز می‌تواند با توجه به حجم عملیات مالی تسری یابد.

در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرسان افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهمی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

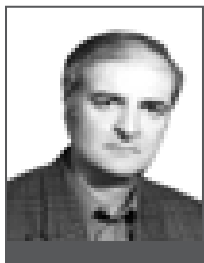
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدوربخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید درخصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی

گسترش مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری متناسب بوده است؟» این سوال قابل طرح است که مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری نشأت گرفته از محیط اقتصادی و حسابداری جوامع توسعه یافته است. هر چند زحمات و خدمات ارزشمند بانیا مفاهیم نظری حسابداری و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به عنوان زیرساخت بسط و گسترش این حرفه قابل ستایش است، اما این حقیقت که این مفاهیم و استانداردها برگرفته از محیط اقتصادی کشورهای توسعه یافته است که متناسب با شرایط توسعه‌ی ما نیست، برکسی پوشیده نیست.

اما برای رسیدن به جواب سوال اصلی پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- آیا رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به استثنای صنایع خاص، به مراتب بیش از نیاز استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی نبوده است؟ آیا محیط اقتصادی و حسابداری ایران هماهنگ با این میزان مفاهیم، رشد و توسعه داشته است؟
- آیا جامعه‌ی حرفه‌ای منابع انسانی و کارشناسان حرفه‌ای و باتجربه، شرایط متناسب با رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری را دارا هستند؟

- آیا امکانات و تجهیزات فنی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سیستم‌های اطلاعات حسابداری و حسابداری متناسب با توسعه‌ی دانش محض حسابداری و حسابداری گسترش یافته است؟

- با گسترش دانش محض حسابداری و حسابداری قوانین و مقررات مرتبط، از جمله قوانین حقوقی، تجارت و مالیاتی چه میزان تحول یافته‌اند؟ رشد و توسعه‌ی اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی را در مسیر علمی، تجربی و فنی رهنمون خواهد کرد و به‌عنوان تنها عامل استراتژیک برای رفع موانع و مخاطرات موجود در زمینه‌ی برون‌رفت از شرایط نامساعد حرفه‌ای کنونی در ایران این عامل استراتژیک نیاز به برنامه‌سازی کلان و بلندمدت (حداقل ده‌ساله) و تغییر زیرساخت‌های موجود دارد و تحقق نیافتن رشد و توسعه‌ی اقتصادی عامل بازدارنده و غیر قابل کنترلی در پهنه‌ی ترویج نظام حرفه‌ای و بسط و گسترش و اعمال کاربردی دانش فنی و حرفه‌ای حسابداری و حسابداری در ایران است. تا زمان تحقق این مهم تأثیرات ناشی از سیستم اقتصاد خرد به عنوان عوامل قابل کنترل، نقش لازم را ایفا می‌کند و می‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل غیراستراتژیک و کوتاه‌مدت یا میان‌مدت یاد کرد. بدون شک شکل‌گیری و انسجام زیرساخت‌های اقتصاد خرد ضابطه‌مندی و ابزارهای قانونی خاص خود را طلب می‌نماید که این امر در درجه‌ی اول با تصویب و اجرای قوانین لازم محقق می‌شود لکن جوامع حرفه‌ای و سازمان‌های نظارتی دولتی و غیردولتی نیز با تدوین مقررات و دستورالعمل‌های لازم و پرهیز از دوباره‌کاری و کاغذبازی می‌توانند به گونه‌ای موثر ایفای نقش نمایند. نمونه عوامل خرد سیستم اقتصادی عبارتند از:
- قانون‌مندی‌سازی سیستم اقتصاد خرد و حذف قوانین موازی و دست‌وپاگیر و دوری از روابط موجود در کلیه‌ی زمینه‌های اقتصادی.
- اجتناب از تداخل کار و مسئولیت نهادها و دستگاه‌های موازی از قبیل جامعه‌ی حسابداران رسمی، بورس و سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی.
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران رسمی و بورس اوراق بهادار در تدوین مقررات و دستورالعمل‌ها
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران و بورس با جامعه‌ی حرفه‌ای ایران و پاسخ‌گویی متقابل.

- اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای موجود.

- تغییر ساختار موجود موسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات تخصصی و حرفه‌ای به تریبی که موسسات کوچک ادغام شوند و ضابطه‌مندی درست و منصفانه با رعایت کامل مقررات آیین رفتار حرفه‌ای برای ارجاع کار به موسسات اعم از بزرگ و کوچک جایگزین شرایط موجود شود.
- اعمال نظارت قوی بر فعالیت موسسات ارائه‌کننده‌ی خدمات در جهت رعایت کامل استقلال حرفه‌ای نظارت و مراقبت، آموزش و کنترل کیفیت.
- اعمال دستورالعمل‌های مطمئن برای ارجاع کار و نرخ‌بندی قراردادهای نظارت قوی برای جلوگیری از شکل‌گیری روابط در ارجاع کار.
- تدوین قوانین و مقررات به منظور جلوگیری از فعالیت افراد غیر عضو یا غیر متخصص.

- تدوین قوانین و مقررات به منظور فراگیر شدن خدمات حرفه‌ای و اعتباربخشی در سطح کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد الزام برای اشخاصی که الزام قانونی ندارند.

- اصلاح شرایط و مناسبات حسابداری مالیاتی که استقلال حرفه‌ای را از جامعه‌ی حسابداران رسمی سلب و خدشه‌دار کرده است.

درخاتمه، رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود ضابطه‌مندی توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای را به دنبال دارد و تا تحقق چنین شرایطی وجود و جایگزینی ضابطه‌مندی مستقل و قانونمند توزیع فعالیت‌های حرفه‌ای به جای شرایط توزیع زبان بار فعلی ضرورت اساسی جامعه حرفه‌ای است که در صورت کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آن درآینده با چالش‌های بیش‌تری در این زمینه مواجه خواهیم شد.

بازار کار حسابداری مناسب است

محمد صالح

عضو هیات مدیره موسسه حسابداری و خدمات مالی آریا به‌روش

بازار کار خدمات حسابداری اگرچه به دلیل نبود مرجع تعیین‌کننده‌ی حداقل و حداکثر نرخ خدمات منجر به تفاوت آشکار قیمت در موسسات مختلف شده است که خود یکی از مشکلات موسسات حسابداری است اما خدمات حسابداران مورد توجه جامعه بوده و بازار کار مناسبی را برای آن‌ها رقم زده است. در حال حاضر، بیش‌تر شرکت‌های خصوصی نیازمند خدمات مالی و مشاوره‌ای حسابداری هستند و می‌توان گفت در فضای کنونی برای همه‌ی موسسات حسابداری کار وجود دارد که این موضوع - اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای

باعث شده تا دانشجویان حسابداری نسبت به برخی رشته‌ها کم‌تر نگران آینده شغلی خود باشند.

اگرچه برخی همکاران از نبود بازار کار مناسب گله می‌کنند و توقع درآمد روزافزون دارند اما هیچ موسسه‌ی حسابداری بی‌کار نبوده و حتی نسبت به سایر حرفه‌ها از بازار کار بهتری برخوردار هستند. با وجود بازار خدمات مناسب باز هم گرفتن کار یکی از دغدغه‌های موسسات حسابداری است و از آن‌جا که ضابطه‌ی مشخصی برای تعیین نرخ‌ها وجود ندارد، رقابت بی‌اساسی برای گرفتن کار شکل می‌گیرد. این در حالی است که سازمان حسابداری بهای مشخصی بر اساس درآمد، فروش، هزینه‌ها و... دارد که معمولاً بسیار بیش‌تر از نرخ حسابداری در موسسات حسابداری است. مشخص نبودن حداقل و حداکثر نرخ خدمات موجب تفاوت نرخ بین قراردادهای موسسات حسابداری شده است.

دیگر مشکل موسسات حسابداری را می‌توان نبود نیروی کار مناسب دانست. بسیاری از کسانی که به موسسات حسابداری برای کار مراجعه می‌کنند فاقد تجربه و دانش کافی بوده و بسیاری از آن‌ها در موسسات آموزش دیده و بعد از این‌که کارآموده شدند با پیشنهاد حقوق بالاتر جذب شرکت‌ها می‌شوند و در واقع موسسات حسابداری به محلی برای آموزش و سکوی پرتاب فارغ‌التحصیلان حسابداری تبدیل شده است. به نحوی که مدیران یا در حال آموزش به نیروها هستند یا به دنبال نیروی مناسب سرگردانند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های بازآموزی برای هیات مدیره‌ی موسسات مناسب باشد و به ارتقای دانش مدیران براساس اطلاعات روز یاری کند. تاکنون آزمون و دوره‌ای برای مدیران برگزار نشده است.

بازار خدمات حسابداری در آینده بسیار مناسب ارزیابی می‌شود با افزایش شرکت‌های بخش خصوصی و ادغام موسسات حسابداری و تاسیس موسسات بزرگ حسابداری انتظار می‌رود نه تنها در بخش گزارش‌های برون‌سازمانی شرکت‌ها برای گرفتن وام، بلکه بسیاری از شرکت‌ها داوطلبانه برای بهره‌گیری از خدمات حسابداری اقدام کنند.



هنوز خانه‌زاد هستیم

مجید صفاتی

شریک مدیریت ره‌یافت و همکاران

این را که هنوز بازار خدمات حسابداری در ایران با چالش‌های جدی و آشکاری مواجه است را می‌توان در چندین مقوله مورد بررسی قرار داد. نخست، نوع نگاه حاکم بر حرفه‌ی ماست. هنوز همان نگاه خانه‌زادی پیشین در مردمان سرزمین ما سایه افکنده و تداوم دارد. دیگر آن‌که مباحثی که دانشجو در کلاس از استاد

می‌آموزد و حفظ می‌کند و معادله‌هایی که حل می‌کند، از مباحث عملی حسابداری فاصله‌ی بسیاری دارد. وجود تناقض آشکار بین تعلیم‌دهندگان با اعمال مشاهده شده از ایشان در سطح دانشجویی را نیز نباید از یاد برد. این همه فاصله در نهایت به سردرگمی نسل جدید امیدوار به آینده منجر می‌شود. از سوی دیگر، عدم تامین سرمایه‌ی لازم و عمده جهت استقرار زیرساخت‌ها سبب می‌شود تا ترکیب موسسات و افراد همکار در آن موسسه که غیرهمگن هم شود و این خود موجب مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌ی خدمات حسابداری در کشور می‌شود.

به گمان من، دیگر موضوعی که باید در این بین مورد بررسی قرار گیرد، نیازهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موسسات حسابداری است که کمبود آن در این موسسات، بازار خدمات حسابداری را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

مقوله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم عدم شناسایی صلاحیت‌های تاییدشده است. به این معنا که اعتبار عضو جامعه در بانک کم‌تر از یک مغازه‌دار است. از نظر بانکداران اعتبار پروانه‌ی کسب جهت استفاده از تسهیلات بانکی، از اعتبار ما حساب‌برسان بیشتر است. در واقع این کارت ما پشتوانه‌ای برای ما محسوب نمی‌شود.

عدم الزام عملی به رعایت اخلاقی و توسط همکاران و حضور در رقابت‌های ناسالم و عدم تعریف جایگاه حساب‌برسان در جامعه، از دیگر مقوله‌هاست. از سوی دیگر، وجود دو روحیه‌ی متفاوت در تقسیم کار زمینه‌ای فراهم کرده تا یک شاخه‌ی آن به «تقسیم کار کوپنی بدون توجه به کیفیت موسسات» و یا «تقسیم کار با اعمال نظر از سوی مسئولان و تقسیم‌کنندگان کار با توجه به آثار رویه‌های غیر اخلاقی» در میان ما رواج یابد.

عدم نگاه به بیرون از مرزها و استفاده‌ی عنوانی از نمایندگی‌های خارجی در رقابت‌های خارجی، عدم توجه کافی به خود مدیر و حذف مدیران دارای جایگاه و تفکر مالی اقتصادی حتی در صحنه‌های سیاسی با نگاه جلب رضایت اکثریت غالب به جای منافع ملی، پرداخت بی‌حساب و کتاب در تشکیلات غیرخصوصی و عدم حضور نیروهای فعال بخش مذکور در بخش خصوصی و عافیت طلب شدن آنان، تحت پوشش بودن و پنهان شدن افراد حرفه‌ای در موسسات غیرخصوصی و عدم پاسخ‌گویی به گروه‌های ناظر، از دیگر موضوعاتی است که باید در حوزه‌ی بازار خدمات حسابداری در ایران مورد بررسی قرار گیرد. حتی احتیاط گروه‌های ناظر و تشکل‌ها در برخورد با آن‌ها به این‌جا رسیده است که نگاه حاکم بر جامعه به سمت بی‌توجهی به زحمات تحمل‌شده توسط افراد حرفه‌ای و انگشت اتهام دراز کردن به سمت کلیه‌ی حساب‌برسان ختم شود. متأسفانه القای این نظر از کلاس‌های دانشگاهی آغاز می‌شود که خود تولیدکننده‌ی همکاران موسسات حسابداری هستند.

در نهایت، می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که متأسفانه نگاه به حسابداران به عنوان میرزای حجره در فرهنگ سنتی و تنزل جایگاه آنان در دوران جدید موجب شده است که اکنون دیگر ما معتمد مشتریانمان نباشیم.



شناخت جایگاه واقعی حسابرسی

سید هادی علی پور

عضو هیات مدیره بهرنگ روش

قبوض به حساب سازمان مالیاتی ریخته می‌شود، مشکلاتی برای موسسات به همراه دارد چون سازمان مالیاتی از ما تاییدیه می‌خواهد و ما باید نیرویی را به این شهرستان‌ها برای جمع‌آوری تاییدیه اعزام کنیم که بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است و لازم است در این باره بازنگری اساسی انجام شود.

باید توجه داشت که موسسات حسابرسی در تمام دنیا وجهه و اعتبار خاصی دارند، چون تمام دادوستدهای اقتصادی با اطمینان از صورت‌های مالی این موسسات انجام می‌شود، مثلاً در بورس سهام‌داران با حسابرسی موسسات خریدوفروش انجام می‌دهند. بنابراین ما از استقلال حرفه‌ای برخورداریم و هرچند فعالیت اقتصادی نداریم اما در اقتصاد جایگاه ویژه‌ای داریم و بیش‌تر خدمت‌دهنده هستیم. البته در این مدت اخیر فعالیت‌های اقتصادی کم‌وبیش بر کار ما هم اثر گذاشته و حجم کار ما ناخواسته کم شده است.



رشد ناچیز دستمزدها

علی مشرفی ارانی

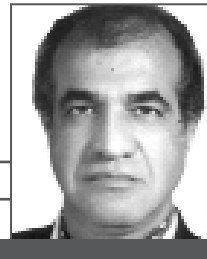
رئیس هیات مدیره‌ی بهمنند

با توجه به حجم کار، متأسفانه در سال‌های اخیر دستمزدها رشد ناچیزی داشته و از سوی دیگر پرداخت اقساط دستمزدها هم از سوی شرکت‌ها به تعویق افتاده است. چون ۸۰ درصد حق‌الزحمه‌ی ما صرف حقوق کارکنان می‌شود، رشد درآمدی در این مدت نداشتیم و بسیاری از موسسات به سختی قادر به فعالیت هستند.

همان‌طور که می‌دانید مطابق قانون حسابرسی در شرکت‌ها الزامی است و از آن‌جایی که حجم بالایی از کار ما بیش‌تر با شرکت‌های خصوصی است، در این آشفته‌بازار اقتصادی چون آن‌ها تحت هر شرایطی موجودیت خود را حفظ کرده‌اند لذا ما هم توانسته‌ایم در این بازار دوام داشته باشیم. خوشبختانه با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری، به دلیل رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات آن‌ها به راحتی جذب بازار کار می‌شوند. لذا کمک ما به اقتصاد کشور نه تنها شفاف‌سازی صورت‌های مالی موسسات و شرکت‌ها است بلکه نیروی فارغ‌التحصیل این رشته را هم به خدمت می‌گیریم.

با این شرایط، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران باید رویه‌ای اجرا کنند تا بر مبنای آن قیمت‌های حسابرسی اصولی تعیین شود و موسسات مشکل تعیین دستمزد یا عدم پرداخت به‌موقع را نداشته باشند چون هر قدر اعتمادسازی دوطرفه باشد کارها با سهولت بیش‌تری انجام خواهد شد.

رقابت در بازار کار حسابرسی فوق‌العاده بی‌بندوبار است و همکاران بدون این که ارزش کار خود را بدانند برای داشتن کار رقم‌های ناچیزی پیشنهاد می‌دهند و برای همین شرکت‌ها هم از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که باید نرخ‌ها واقعی تعیین شود و برای مثال یک کار ۵ میلیون تومانی با ۳ میلیون تومان انجام نشود، در این صورت ادامه‌ی کار برای همه‌ی موسسات حسابرسی میسر خواهد شد و کیفیت کار هم افزایش می‌یابد. متأسفانه به دلیل تورم و رکود و مشکل نقدینگی، برخی شرکت‌ها با زیان روبه‌رو هستند و نمی‌توانند دستمزد موسسات را به‌موقع پرداخت کنند و گویا اخیراً این وضعیت تبدیل مرسوم شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که موسسات برای دوام ناگزیر هستند از نیروی ماهر و متخصص خود بکاهند یا در قبال زحمتی که آن‌ها متقبل می‌شوند دستمزد ناچیزی پرداخت کنند که تمام این موارد نارضایتی به همراه دارد. از نظر قانون جایگاه خوبی برای موسسات پیش‌بینی شده است اما باید شرایط اجرای آن هم وجود داشته باشد و هر کس بنا به سلیقه با موسسات رفتار نکند چون در تمام دنیا صورت‌های مالی یک شرکت که از طرف یک موسسه‌ی حسابرسی ارائه می‌شود اهمیت فراوانی در معاملات دارد. شاید هنوز در کشور ما نیاز به زمان بیش‌تری برای شناخت جایگاه واقعی موسسات وجود دارد و باید در کنار قوانین جامع کار فرهنگ‌سازی هم صورت گیرد.



سازمان مالیاتی و مشکل قبوض مالیاتی

قاسم مرآتی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی بیات رایان

مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی از نظر من حسابرسی‌های مالیاتی است که بحثی فنی است و سال‌هاست موسسات با آن روبه‌رو هستند و جلسه‌های زیادی هم برگزار شده که تاکنون بی‌نتیجه بوده است. باید از نقطه‌نظر اجرای قوانین و بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود به‌درستی تبیین شوند و سازمان امور مالیاتی بررسی‌هایی را روی این گزارش‌ها انجام دهد. اما نکته‌ی بعدی که باید به آن اشاره کنم قبوض ۵ درصد مالیاتی است که از حق‌الزحمه‌ی موسسات توسط سازمان مالیاتی کم می‌شود، از آن‌جایی که موسسات در سرتاسر کشور حسابرسی شرکت‌ها را انجام می‌دهند و در هر شهرستان این



حساب‌سازی، مشکل حسابرسی

زیداله مشکاتی

شریک موسسه حسابرسی و خدمات مالی آبان روش

حسابرسی است. اگرچه قوانین و مقررات خوبی انشا شده است اما در اجرا ناکارآمد است. چرا که حسابرسی از جبر است نه اختیار. شرکت‌ها تمایلی به حساب‌دهی ندارند و زمانی به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند که نیازمند حسابرسی برای گرفتن وام و... هستند. این نوع نگاه به حسابرسی موجب شده بازار خدمات حسابرسی محدود شود. برگزاری مناقصه برای حسابرسی نیز به تنگ‌تر شدن دایره‌ی فعالیت حساب‌رسان منجر شده است و موسسات کوچک برای تداوم بقا نرخ‌شکنی می‌کنند. تا زمانی که نگاه به حسابرسی در جامعه‌ی ما با دانش و آگاهی و توجه به مزایای شفافیت اطلاعاتی همراه نباشد، بازار خدمات حسابرسی محدود خواهد ماند.



ما تحمیل شدیم

رسول نصیری خوبدهی

مدیر عامل موسسه حسابرسی پرسپان یاد

اکثر موسسات حسابرسی نیروهای متخصص و کارآمدی دارند که به دلیل داشتن کار فصلی و درآمد پایین مجبورند کم‌تر از خدمات تخصصی آن‌ها استفاده کنند. در حال حاضر، اوج کار موسسات در تیرماه و ۶ ماه اول سال است و بعد از آن باید حقوق کارمندان به قولی از جیب پرداخت کنند و این در شرایط اقتصادی امروز اصلاً منصفانه نیست، لذا ناگزیر به تعدیل نیروهای متخصص خود هستیم. به نظر بنده، متأسفانه با وجودی که در قانون بر حضور موسسات حسابرسی تأکید شده اما جایگاه حقوقی نداریم و به شرکت‌ها تحمیل شدیم. آن‌ها ناگزیر به استفاده از خدمات ما هستند و تا جایی که امکان داشته باشد از حسابرسی فرار می‌کنند. در حالی که برای شفاف‌سازی معاملات در بازار اقتصادی، حسابرسی مالی شرکت‌ها امری ضروری و قطعی است. عمده‌ی فعالیت موسسات با شرکت‌های خصوصی است که اگر خصوصی‌سازی طبق قانون مصوب انجام شود کار ما هم رونق خواهد گرفت، هرچند که در شرایط فعلی اقتصاد، اکثر شرکت‌های خصوصی بدهی معوق به موسسات دارند. اگر از رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات حسابرسی جلوگیری شود و تقسیم کار عادلانه باشد در این صورت موسسات حسابرسی می‌توانند به جایگاه واقعی خود در کشور هم برسند چون ما از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و قانون به درستی وظیفه‌ی ما را در مقابل شرکت‌ها و بالعکس شرح داده است.

حسابرسی مهم‌ترین مشکل در جامعه‌ی است که بیش‌تر افراد تمایلی به حساب‌دهی نداشته و به جای آن حساب‌سازی را دوست دارند. در چنین شرایطی، نه تنها واقعیت‌ها درست منعکس نمی‌شود بلکه ارجاع کار به موسسات حسابرسی کم‌تر و آن‌هم از روی اجبار است. جالب آن‌که در چنین بازار محدودی، حسابرسی نیز تاحدودی همچون دیگر بخش‌ها متأثر از روابط است و در روابط گاهی مسایلی همچون انتفاع هیات مدیره‌ی شرکت‌ها محوریت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، ارجاع کار به حساب‌رسانی که بخواهند سالم کار کنند، کم‌تر شده و حجم کارشان کاهش می‌یابد که این موضوع یکی از معضلات موسسات حسابرسی در ایران است.

برای آن‌که در جامعه‌ی گردش معقول اطلاعات اتفاق بیفتد و از گردش مالی غلط جلوگیری شود نیاز به دو سیستم است نخست قوه قضاییه‌ی مستقل و دیگر مطبوعات آزاد. در جامعه‌ی که مطبوعات آزاد وجود داشته باشد، کم‌تر حساب‌سازی اتفاق می‌افتد. بازار خدمات حسابرسی عام در ایران، جایگاهی در نظام اقتصادی ندارد چرا که جایگاه اقتصادی این موسسات متکی به شراکت و تا نتوانند از عهده‌ی هزینه‌هایشان برآیند، جایگاهی در نظام اقتصادی نخواهند داشت. این در حالی است که موسسات موسسات باید از منابع معقول مالی برخوردار باشند تا از عهده‌ی هزینه‌های اولیه برآمده و به نقطه‌ی سر به سر برسند بنابراین فقط با تکیه به دانش نمی‌توان موسسه تاسیس کرد.

موسسات حسابرسی جایگاه اقتصادی خاصی در جامعه‌ی ما ندارند. به دلیل آن‌که سطح قراردادهای کم بوده، رقابت کاذب بین موسسات حسابرسی برای گرفتن کار ایجاد می‌شود که این موضوع گاهی به شکسته شدن قیمت‌ها نیز منجر می‌شود. به نحوی که برای انتخاب حسابرس گاهی آگهی مناقصه داده یا استعلام مستقیم قیمت از موسسات حسابرسی می‌کنند تا به کم‌ترین قیمت پیشنهادی کار را واگذار کنند و در این شرایط فعالیت حرفه‌ای و اعتبار حسابرس نادیده گرفته می‌شود و فقط قیمت معیار اصلی برای واگذاری کار است. و کیفیت کار حسابرسی که مهم‌ترین فاکتور ارزیابی حسابرسی است نادیده گرفته می‌شود. مناقصه برای کار حسابرسی یکی از مشکلاتی است که فعالیت حرفه‌ای را متأثر کرده است. حسابرس، پیمانکار نیست که برای آن آگهی داده شود تا جایی که برخی همکاران مجبور شوند نرخ را بدهند که اعتقادی به آن ندارند. گرفتن کار برای موسسات حسابرسی همچون دیگر بخش‌های جامعه بستگی به روابط؛ نرخ پایین و همراهی با شرکت مورد تقاضا را دارد که البته موارد اول و دوم اجتناب‌ناپذیر است و خوشبختانه تعداد حساب‌رسانی که به حرفه‌ی خود پایبند نیستند، بسیار اندک است. عدم اجرای درست قوانین و مقررات دیگر مشکل موسسات

به نظر می‌رسد بعد از مطرح شدن آیین‌نامه‌ی یادشده در سطح جامعه، اطلاع‌رسانی جامعی در این خصوص انجام نشده است. تشکیلات جامعه‌ی حسابداران رسمی اگرچه برای اجرای صحیح این آیین‌نامه تلاش می‌کند اما به دلیل آن‌که تصمیم‌گیرنده نیست، اجرای ضعیفی دارد و به نظر می‌رسد اراده‌ی قوی در تصمیم‌گیرندگان برای اجرای این قانون وجود نداشته باشد.

مثبت این ادعا گذشت ۸ سال از تصویب بی‌اجرای تبصره ۲ ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های کشور است که بر اساس آن سازمان امور مالیاتی می‌توانست حسابرسی صورت‌های مالی و تنظیم گزارش مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی را به حسابداران رسمی یا موسسات حسابرسی واگذار نماید که در این صورت پرداخت حق الزحمه طبق مقررات مربوطه به عهده‌ی سازمان امور مالیاتی کشور می‌شد. اما بعد از ۸ سال، حتی با وجود پیگیری‌های مستمر دبیرکل جامعه تاکنون حتی یک مورد نیز به حسابرسان واگذار نشده است.

در بخش خصوصی نیز فقط شرکت‌های بوری الزام به ارائه‌ی گزارش‌های حسابرسی شده دارند و سایر شرکت‌ها به‌ندرت به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند آن‌هم بیشتر در مواقعی که مجبور به استفاده از خدمات حسابرس باشند، مثلاً در زمان گرفتن تسهیلات بانکی.

با توجه به آن‌که شمار شرکت‌هایی که گزارش‌های حسابرسی شده منتشر می‌کنند نسبت به سایر شرکت‌ها بسیار ناچیز است، بازار خدمات حسابرسی در ایران نیز مطلوب نیست.

اگرچه با گذشت ۸ سال از تأسیس جامعه‌ی حسابداران رسمی و تلاش‌های انجام شده انتظار می‌رود بازار خدمات حسابرسان روبه رشد باشد، اما اجرای ضعیف قوانین، نبود ضمانت اجرایی کافی و عدم تمایل بخش خصوصی و نیز شرکت‌های پیمان‌کاری به استفاده از خدمات حسابرسی موجب شده تا موسسات حسابرسی از بازار کار مطلوب بازمانند.

خطرهایی که پیش روی ماست

غلامرضا حسن پور

عضو هیات مدیره پاسارگاد احرار

بدون این‌که در این مقدمه به تکرار ضرورت حسابرسی از دیدگاه تاریخی و فلسفه‌ی ایجاد آن که در اکثر کتب مرتبط با حسابرسی به آن اشاره شده بپردازم باید به این نکته اشاره کنم که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و کلاً امر حسابرسی در حال حاضر با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که به اعتقاد اینجانب به دو گروه چالش‌های برون‌سازمانی و چالش‌های درون‌سازمانی قابل تقسیم است:

الف: چالش‌های برون‌سازمانی
چالش‌های برون‌سازمانی تابع شرایط فرهنگی، اقتصادی و مخصوصاً سیاسی کشور است، به دلیل این‌که بخش عمده‌ای از اقتصاد ایران دولتی است، تصمیمات سیاست‌گذاران و مسئولان مستقیماً اقتصاد را تحت تاثیر قرار داده و به تبع آن مشاغل خدماتی مرتبط مانند حسابرسی و حسابداری نیز تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. شاید به دلیل نوپا بودن جامعه‌ی حسابداران رسمی به شکل فعلی هنوز پذیرش آن از طرف دولت به عنوان یک نهاد غیر دولتی تاثیرگذار مورد تردید قرارداد. لذا در این خصوص با چالشی مواجه هستیم به نام خطر استقلال حرفه که در این زمینه قطعاً پیش‌کسوتان شاغل در حرفه دارای نظرهای متفاوتی بوده و خواهان استقلال بیش‌تر حسابرسان در مراحل مختلف کار هستند.

مسئله‌ی بعدی که به تبع تضعیف استقلال حسابرسی عارض می‌شود بحث قیمت‌ها و نرخ‌های انجام خدمات حسابرسی است که با شرایط فعلی فاقد جذابیت لازم برای ارائه‌ی خدمات مطلوب است. هر قدر مراجع قانونی مانند جامعه‌ی حسابداران رسمی و یا هر نهاد دیگری با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها توقع انجام خدمات مطلوب از حسابرسان را داشته باشند، بدون کمک در بهبود شرایط خدمات حسابرسی نتیجه‌ی آن صرفاً موجب تهدید بیش‌تر استقلال حرفه‌ی حسابرسی می‌شود. باید جامعه‌ی حسابداران رسمی و همچنین دولت به نمایندگی از کارفرمایان، راهکارهایی برای تعیین نرخ‌ها و تعرفه‌های خدمات حسابرسی تدوین کنند تا بخشی از تحمیل نظرهای ذی‌نفعان عقیم شود. این کار باعث می‌شود تلاش عواملی که به عنوان واسطه‌گران در همین مدت کوتاه پیدا شده و برای ارجاع کارها، ادعای سهم‌خواهی می‌کنند حداقل تا کشف راه‌های جدید تضعیف شود.

ب: چالش‌های درون‌سازمانی

به دلیل اینکه نتایج کارهای این حرفه صرفاً به تامین نیازهای کسب صاحب‌کار منحصر نمی‌شود بلکه حسابداران باید رفع نیازهای طیف گسترده‌ای از اشخاص را مد نظر قرار دهند و در واقع حفظ منافع عمومی اولویت اول حاصل از نتایج کار حسابرسی است، لذا حفظ سلامت و ارتقای این حرفه مستلزم نظارت و کنترل ویژه است. آزادی مختلفی در این زمینه بین صاحب‌نظران حرفه و دولت در اکثر کشورهای صاحب‌سبک وجود دارد، البته آن‌چه غیر قابل انکار است ضرورت نظارت دولت از طریق اعمال حاکمیت است. همچنین جامعه‌ی حسابداران باید با تدوین دستورالعمل‌ها، راهکارها، برنامه‌های آموزشی (که البته در حال حاضر فعال شده)، به مراقبت‌های حرفه‌ای و تشویق موسسات برای استفاده از روش‌های نوین حسابرسی و عدم اصرار بر پرونده‌سازی که صرفاً با انواع و اقسام فرم‌ها و چک‌لیست‌هایی که فقط جنبه‌ی تشریفات دارد اقدام کند.

مسئله‌ی بعدی چگونگی برخورد جامعه با موسسات نوپا است که در سنوات اخیر با توجه به پذیرش اعضای جدید ایجاد شده است. این موسسات نیاز به حمایت و پشتیبانی فکری و تقویت توسط جامعه دارند.



بازار خدمات نامطلوب با اجرای ضعیف قوانین

جهانگیر حاجی میرزابیگی

مدیرعامل موسسه‌ی حسابرسی و خدمات مالی فراز حساب

اجرای ضعیف قوانین در کشور یکی از مهم‌ترین مشکلات موسسات حسابرسی است که بازار خدمات آن‌ها را متاثر از خود کرده است. در حالی که با تصویب آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی در مورخ ۸ اردیبهشت ۸۸ چنین تصور شد که حسابرسی مورد توجه دولت قرار گرفته و اجرای آن رونق کاری موسسات حسابرسی را به همراه خواهد داشت اما عدم اطلاع‌رسانی مناسب به سطح جامعه موجب شد که حتی بسیاری از کسانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این آیین‌نامه مورد خطاب قرار گرفته بودند، نیز از وجود چنین بخشنامه‌ای بی‌اطلاع باشند. طبیعی است که عدم اجرا نتیجه‌ی بی‌اطلاعی است. در حال حاضر بیش از ۸ ماه از تصویب چنین آیین‌نامه‌ای می‌گذرد در حالی که به حجم فعالیت موسسات حسابرسی افزوده نشده است.

ماده ۲ این آیین‌نامه مقرر کرده است، دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) مکلفند از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ده برابر نصاب معاملات بزرگ موضوع قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳) با اشخاص مشمول این آیین‌نامه که فاقد صورت‌های مالی حسابرسی شده باشند، خودداری کنند.

همچنین بر اساس ماده ۳ این آیین‌نامه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور موظف است هرگونه رتبه‌بندی و تعیین صلاحیت اشخاص مشمول این آیین‌نامه (از جمله شرکت‌های پیمان‌کاری و مشاوره) را به ارائه‌ی صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ی آن‌ها منوط نماید. ماده ۵، سازمان بورس را مکلف کرده است که از پذیرش سهام شرکت‌هایی که شرکت‌های تابع و وابسته‌ی آن‌ها فاقد گزارش حسابرسی شده هستند خودداری کند و نماد عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در صورت عدم رعایت تکلیف مقرر در این ماده ظرف شش ماه بسته خواهد شد. بر اساس ماده ۶، سازمان امور مالیاتی کشور مکلف شده است با رعایت قوانین و مقررات مربوط اظهارنامه‌ی اشخاص مشمول این آیین‌نامه را صرفاً به انضمام صورت‌های مالی حسابرسی شده، بررسی و در صورت عدم ارائه‌ی صورت‌های مالی حسابرسی شده بر مبنای علی‌الراس نسبت به تشخیص مالیات اقدام نماید.

مواد یادشده، همه بهره‌گیری از خدمات حسابرسی را خاطر نشان می‌کند. در حالی که حتی گاهی به نظر می‌رسد مقام‌های مالیاتی در سطوح میانی از وجود چنین آیین‌نامه‌ی بی‌اطلاع باشند. حال این سوال مطرح است که آیا این آیین‌نامه به تمام استان‌ها، مدیرکل‌ها و ممیزان مالیاتی ابلاغ شده است و آیا مدیران به کارشناسان خود اطلاع‌رسانی کرده‌اند؟ از طرف دیگر، شرکت‌های پیمان‌کاری که تعداد قابل ملاحظه‌ای از شرکت‌های کشور را تشکیل می‌دهند بر اساس آیین‌نامه‌ی یادشده موظف به ارائه‌ی گزارش حسابرسی شده‌اند، در حالی که پیمان‌کاران تمایلی به حساب‌دهی ندارند و ضمانت اجرایی لازم برای اجبار آن‌ها به استفاده از خدمات حسابرسی وجود ندارد.

بدون توجه به تجربه‌ی کار حرفه‌ای است و کیفیت کار حسابرسی (فرایندهای رسیدگی و اظهار نظر) و در نهایت اعتلای حرفه‌ای را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

وقتی شرکتی با بحران مواجه می‌شود، ریسک کار خدمات حسابرسی در این شرکت بالا رفته و با افزایش ریسک، آزمون محتوایی نیز بالا رفته و حجم کار افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود که بهای خدمات حسابرسی افزایش یابد، در صورتی که چنین نمی‌شود و صاحب‌کار توقع انجام کار با نرخ پایین‌تر دارد. محدودیت انعقاد قراردادها موسسات را به سمت سود کم‌تر سوق داده است.

از طرف دیگر، با وجودی که برای سایر مشاغل خدماتی از قبیل خدمات فنی و مهندسی، فهرست بهایی را سازمان برنامه سابق تعیین کرده که حداقل بهای ارائه‌ی خدمات را خاطر نشان می‌کند. با گذشت زمان، برخی صاحبان قرارداد معمولاً مجبور به تعدیل بر اساس آخرین فهرست بهای منتشره‌ی این نهاد می‌شوند. از این نظر مرجعی برای تعیین حداقل‌ها حتی با گذشت زمان و تغییر نرخ‌ها دارند اما در حرفه‌ی حسابرسی و خدمات مالی فهرست بهایی وجود ندارد و حداقل نرخ‌ها مشخص نیست. ضمن اینکه نرخ‌ها به شدت تحت اعمال نفوذ صاحب‌کاران قرار دارد. به طوری که که بازهم کارفرما انتظار انجام کار با بهای پایین‌تر را داشته و به صراحت اعلام می‌کند، در صورتی که با نرخ مورد نظر وی موافقت نشود، به موسسات دیگر مراجعه خواهد کرد. این در حالی است که طبق رویه‌ی معمول هر ساله نرخ ارائه‌ی خدمات حسابرسی در رده‌های مختلف حرفه‌ای در سازمان حسابرسی را شورای اقتصاد تعیین می‌کند. این نرخ‌ها تفاوت آشکاری با نرخ موسسات حسابرسی دارد. اما جالب آن‌که با وجودی که نوع صدور گزارش و فرایند رسیدگی بین موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی یکسان است اما صاحبان کار، به دلیل وجود فضای رقابتی، انتظار نرخ پایین‌تر را از موسسات حسابرسی دارند.

یکی از مهم‌ترین شرایط حسابرسی، استقلال آن است که متکی بر تجربه و مراقبت حرفه‌ای است. اما به دلیل اقتصاد تحت سیطره‌ی دولت، استقلال حسابرسی نیز با ابهام مواجه است. حسابرسی شرکت‌های دولتی را که تعداد آن‌ها زیاد است سازمان حسابرسی انجام می‌دهد و موسسات حسابرسی در بخشی از اقتصاد آزاد که چندان تمایلی به شفاف‌سازی حساب‌های خود ندارند با یکدیگر رقابت می‌کنند.

کمبود نیروی انسانی باتجربه نیز یکی از دغدغه‌های موسسات حسابرسی است. به رغم این که تعداد فارغ‌التحصیلان حسابداری ما کم نیستند، اما موسسات حسابرسی همواره از کمبود نیروی انسانی باتجربه رنج می‌برند زیرا فارغ‌التحصیلان فاقد تجربه‌ی لازم برای کار در موسسات حسابرسی هستند و به نوعی ناهمخوانی بین دانشگاه‌های ما با محیط کار حرفه‌ای وجود دارد و آنچه در دانشگاه‌های ما به دانشجویان حسابداری آموزش داده می‌شود متناسب با نیاز جامعه‌ی کاری نیست.

به نظر می‌رسد بعد از مطرح شدن آیین‌نامه‌ی یادشده در سطح جامعه، اطلاع‌رسانی جامعی در این خصوص انجام نشده است. تشکیلات جامعه‌ی حسابداران رسمی اگرچه برای اجرای صحیح آیین‌نامه تلاش می‌کند اما به دلیل آن‌که تصمیم‌گیرنده نیست، اجرای ضعیفی دارد و به نظر می‌رسد اراده‌ی قوی در تصمیم‌گیرندگان برای اجرای این قانون وجود نداشته باشد.

مثبت این ادعا گذشت ۸ سال از تصویب بی‌اجرای تبصره ۲ ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های کشور است که بر اساس آن سازمان امور مالیاتی می‌توانست حسابرسی صورت‌های مالی و تنظیم گزارش مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی را به حسابداران رسمی یا موسسات حسابرسی واگذار نماید که در این صورت پرداخت حق الزحمه طبق مقررات مربوطه به عهده‌ی سازمان امور مالیاتی کشور می‌شد. اما بعد از ۸ سال، حتی با وجود پیگیری‌های مستمر دبیرکل جامعه تاکنون حتی یک مورد نیز به حسابرسان واگذار نشده است.

در بخش خصوصی نیز فقط شرکت‌های بوری الزام به ارائه‌ی گزارش‌های حسابرسی شده دارند و سایر شرکت‌ها به‌ندرت به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند آن‌هم بیشتر در مواقعی که مجبور به استفاده از خدمات حسابرس باشند، مثلاً در زمان گرفتن تسهیلات بانکی.

با توجه به آن‌که شمار شرکت‌هایی که گزارش‌های حسابرسی شده منتشر می‌کنند نسبت به سایر شرکت‌ها بسیار ناچیز است، بازار خدمات حسابرسی در ایران نیز مطلوب نیست.

اگرچه با گذشت ۸ سال از تأسیس جامعه‌ی حسابداران رسمی و تلاش‌های انجام شده انتظار می‌رود بازار خدمات حسابرسان روبه رشد باشد، اما اجرای ضعیف قوانین، نبود ضمانت اجرایی کافی و عدم تمایل بخش خصوصی و نیز شرکت‌های پیمان‌کاری به استفاده از خدمات حسابرسی موجب شده تا موسسات حسابرسی از بازار کار مطلوب بازمانند.

خطرهایی که پیش روی ماست

غلامرضا حسن پور

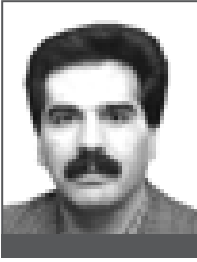
عضو هیات مدیره پاسارگاد احرار

بدون این‌که در این مقدمه به تکرار ضرورت حسابرسی از دیدگاه تاریخی و فلسفه‌ی ایجاد آن که در اکثر کتب مرتبط با حسابرسی به آن اشاره شده بپردازم باید به این نکته اشاره کنم که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و کلاً امر حسابرسی در حال حاضر با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که به اعتقاد اینجانب به دو گروه چالش‌های برون‌سازمانی و چالش‌های درون‌سازمانی قابل تقسیم است:

الف: چالش‌های برون‌سازمانی
چالش‌های برون‌سازمانی تابع شرایط فرهنگی، اقتصادی و مخصوصاً سیاسی کشور است، به دلیل این‌که بخش عمده‌ای از اقتصاد ایران دولتی است، تصمیمات سیاست‌گذاران و مسئولان مستقیماً اقتصاد را تحت تاثیر قرار داده و به تبع آن مشاغل خدماتی مرتبط مانند حسابرسی و حسابداری نیز تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. شاید به دلیل نوپا بودن جامعه‌ی حسابداران رسمی به شکل فعلی هنوز پذیرش آن از طرف دولت به عنوان یک نهاد غیر دولتی تاثیرگذار مورد تردید قرار دارد. لذا در این خصوص با چالشی مواجه هستیم به نام خطر استقلال حرفه که در این زمینه قطعاً پیش‌کسوتان شاغل در حرفه دارای نظرهای متفاوتی بوده و خواهان استقلال بیش‌تر حسابرسان در مراحل مختلف کار هستند.

مسئله‌ی بعدی که به تبع تضعیف استقلال حسابرسی عارض می‌شود بحث قیمت‌ها و نرخ‌های انجام خدمات حسابرسی است که با شرایط فعلی فاقد جذابیت لازم برای ارائه‌ی خدمات مطلوب است. هر قدر مراجع قانونی مانند جامعه‌ی حسابداران رسمی و یا هر نهاد دیگری با دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها توقع انجام خدمات مطلوب از حسابرسان را داشته باشند، بدون کمک در بهبود شرایط خدمات حسابرسی نتیجه‌ی آن صرفاً موجب تهدید بیش‌تر استقلال حرفه‌ی حسابرسی می‌شود. باید جامعه‌ی حسابداران رسمی و همچنین دولت به نمایندگی از کارفرمایان، راهکارهایی برای تعیین نرخ‌ها و تعرفه‌های خدمات حسابرسی تدوین کنند تا بخشی از تحمیل نظرهای ذی‌نفعان عقیم شود. این کار باعث می‌شود تلاش عواملی که به عنوان واسطه‌گران در همین مدت کوتاه پیدا شده و برای ارجاع کارها، ادعای سهم‌خواهی می‌کنند حداقل تا کشف راه‌های جدید تضعیف شود.

ب: چالش‌های درون‌سازمانی
به دلیل اینکه نتایج کارهای این حرفه صرفاً به تامین نیازهای کسب صاحب‌کار منحصر نمی‌شود بلکه حسابداران باید رفع نیازهای طیف گسترده‌ای از اشخاص را مد نظر قرار دهند و در واقع حفظ منافع عمومی اولویت اول حاصل از نتایج کار حسابرسی است، لذا حفظ سلامت و ارتقای این حرفه مستلزم نظارت و کنترل ویژه است. آزادی مختلفی در این زمینه بین صاحب‌نظران حرفه و دولت در اکثر کشورهای صاحب‌سبک وجود دارد، البته آن‌چه غیر قابل انکار است ضرورت نظارت دولت از طریق اعمال حاکمیت است. همچنین جامعه‌ی حسابداران باید با تدوین دستورالعمل‌ها، راهکارها، برنامه‌های آموزشی (که البته در حال حاضر فعال شده)، به مراقبت‌های حرفه‌ای و تشویق موسسات برای استفاده از روش‌های نوین حسابرسی و عدم اصرار بر پرونده‌سازی که صرفاً با انواع و اقسام فرم‌ها و چک‌لیست‌هایی که فقط جنبه‌ی تشریفات دارد اقدام کند.
مسئله‌ی بعدی چگونگی برخورد جامعه با موسسات نوپا است که در سنوات اخیر با توجه به پذیرش اعضای جدید ایجاد شده است. این موسسات نیاز به حمایت و پشتیبانی فکری و تقویت توسط جامعه دارند.



الزام در استفاده از خدمات حسابرسی

محمد دلیرانی

رئیس هیات مدیره بهنود ارقام

موسسات حسابرسی به دلیل شرایط بد بازار کار اخیراً با مشکل دریافت مطالبات خود مواجه هستند و برخی هم بدهی معوق از شرکت‌ها دارند و این موارد شرایط کار را برای برخی موسسات بسیار سخت کرده است. چون پرداختی شرکت‌ها به موسسات به صورت اقساط انجام می‌شود و مدتی است که این پرداختها منظم انجام نمی‌شود.

همچنین ما ناگزیریم برای حفظ بازار اندک کاری دستمزدمان را سالانه افزایش ندهیم، لذا گاهی برخی موسسات برای ادامه‌ی حیات از برخی هزینه‌های خود کم کنند و مثلاً بسیاری از آن‌ها تعدیل نیرو انجام می‌دهند. این در شرایطی که تعداد فارغ‌التحصیلان این رشته روزبه‌روز افزایش می‌یابد.

متأسفانه با وجودی که در سال ۱۳۸۸ قانونی تصویب شد و بر اساس آن شرکت‌ها ملزم به استفاده از خدمات حسابرسی شدند اما چون این قانون جنبه‌ی الزامی ندارد، برای همین ما در شرایط کنونی در اقتصاد کشور هیچ جایگاهی نداریم. در حالی که مطابق قانون تمام معاملات در بازار باید با گزارش‌های مالی ما انجام شود. بنابراین باید در قانون سازوکاری گذاشته شود تا شرکت‌هایی که این مهم را اجرا نمی‌کنند به گونه‌ای توبیخ شوند مثلاً جریمه‌ی علی‌الراس برای آن‌ها در نظر گرفته شود.

ما از نظر قانون مشکلی نداریم چون در تمام قوانین مالی به جایگاه ما اشاره شده است اما این قوانین به‌درستی اجرا نمی‌شوند. و تنها اگر مجریان این دقت را داشته باشند جایگاه ما دوباره احیا خواهد شد.

تقسیم ناعادلانه کار

مرتضی رحمانی یگانه

عضو هیات مدیره بهروش پارس

متأسفانه تقسیم کار در بازار موسسات حسابرسی عادلانه نیست و همه چیز براساس رابطه انجام می‌شود. یعنی اگر یکی از اعضای موسسه‌ی شما در فلان شرکت داشته باشد کار حسابرسی به آن‌ها واگذار می‌شود. البته گاهی هم برخی موسسات نرخ کم‌تری به شرکت‌ها پیشنهاد می‌دهند و در این صورت با نرخ‌شکنی کار سایر موسسات را زیر سوال می‌برند. بنابراین ملاحظه می‌کنید که شرکت‌ها به کیفیت کار موسسات اهمیتی نمی‌دهند و این مشکلی است که خود موسسات آن را به وجود آورده‌اند. در حالی که در تمام دنیا کار موسسات حسابرسی از لحاظ کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرد.



زمانی برای مناقصه‌ها

حسین خطیبیان

مدیرعامل آریا حسابرسان پارسا

هرچند که ظاهراً بازار خدمات حسابرسی نسبتاً بزرگ به‌نظر می‌رسد لیکن تقاضا از طرف صاحب‌کار کم‌تر مشاهده می‌شود زیرا اصولاً ارجاع کار به موجب تقاضا و عرضه نبوده و عمده‌ی موارد بر اساس روابط صورت می‌پذیرد.

بدین معنی که در اکثر موارد متقاضیان مستقیماً به حسابرسان مراجعه و درخواست حسابرسی نمی‌کنند بلکه بر اساس رابطه یا آشنایی قبلی و یا توصیه، ارجاع کار می‌شود.

آن تعداد که به‌طور مستقیم متقاضی و مراجعه می‌نمایند عمدتاً بر اساس استعلام بها و یا مناقصه اقدام می‌نمایند. اما با حضور حسابرسان در استعلام بها یا مناقصه، بازار ناسالم می‌شود زیرا در چنین شرایطی نازل‌ترین قیمت پذیرفته می‌شود و بنابراین قطعاً کیفیت دچار خدشه می‌گردد. این در حالی‌ست که موسسات حسابرسی به موجب ضوابط و مقررات جامعه‌ی حسابداران رسمی مجاز به شرکت در استعلام بها و مناقصه نیستند. هرچند ملاحظه می‌شود که همکاران برای جذب کار در این برنامه‌ها شرکت می‌کنند و لذا ماهیت تخصصی و حرفه‌ای بودن حسابرسی را خدشه‌دار کرده و با ارائه‌ی قیمت‌های پایین کیفیت تنزل می‌یابد.

بنابراین برای متحول کردن بازار خدمات حسابرسی ضرورت دارد متولیان حرفه از جمله جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران برای این خدمت تخصصی و حرفه‌ای با توجه به حجم کار، تعرفه تعیین و پیشنهاد کنند تا حرفه دچار استعلام و مناقصه نشود و لذا هم متقاضیان خدمات حسابرسی تکلیف خود را می‌دانند و مجبور نیستند به بهانه‌ی رعایت آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی تن به استعلام یا مناقصه بدهند.

در این راستا ضرورت دارد ترتیبی اتخاذ شود که حق‌الزحمه‌ی حسابرسی جزو نرخ‌های مصوب طبقه‌بندی و در آیین‌نامه‌ی مالی و معاملاتی در عداد مستثنیات شناخته شود. لازم است جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران با پایدار کردن ضوابط و مقررات لازم‌الاجرا حضور موسسات حسابرسی و حسابداران رسمی را در استعلام بها و مناقصه اکیداً قدغن و ممنوع کند و جرایم و مجازات‌هایی در این موارد تعیین و پیش‌بینی گردد.

به نظر من، هر چند احتمال برخی مخالفت‌ها در برقراری تعرفه محتمل است لیکن برای حفظ بازار خدمات حسابرسی و جلوگیری از ناهنجاری‌ها برقراری تعرفه‌ی حق‌الزحمه‌ی حسابرسی ضروری است و همان‌طوری‌که سازمان حسابرسی نرخ مصوب برای رده‌های حسابرسی از شورای اقتصاد دریافت کرده برای اعضای جامعه نیز می‌تواند با توجه به حجم عملیات مالی تسری یابد.



در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرس افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

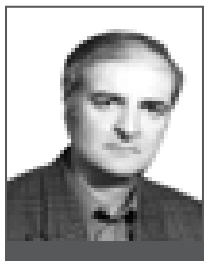
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدور بخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید درخصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی

گسترش مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری متناسب بوده است؟» این سوال قابل طرح است که مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری نشأت گرفته از محیط اقتصادی و حسابداری جوامع توسعه یافته است. هر چند زحمات و خدمات ارزشمند بانیا مفاهیم نظری حسابداری و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به عنوان زیرساخت بسط و گسترش این حرفه قابل ستایش است، اما این حقیقت که این مفاهیم و استانداردها برگرفته از محیط اقتصادی کشورهای توسعه یافته است که متناسب با شرایط توسعه‌ی ما نیست، برکسی پوشیده نیست.

اما برای رسیدن به جواب سوال اصلی پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- آیا رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به استثنای صنایع خاص، به مراتب بیش از نیاز استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی نبوده است؟ آیا محیط اقتصادی و حسابداری ایران هماهنگ با این میزان مفاهیم، رشد و توسعه داشته است؟
- آیا جامعه‌ی حرفه‌ای منابع انسانی و کارشناسان حرفه‌ای و باتجربه، شرایط متناسب با رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری را دارا هستند؟

- آیا امکانات و تجهیزات فنی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سیستم‌های اطلاعات حسابداری و حسابداری متناسب با توسعه‌ی دانش محض حسابداری و حسابداری گسترش یافته است؟

- با گسترش دانش محض حسابداری و حسابداری قوانین و مقررات مرتبط، از جمله قوانین حقوقی، تجارت و مالیاتی چه میزان تحول یافته‌اند؟ رشد و توسعه‌ی اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی را در مسیر علمی، تجربی و فنی رهنمون خواهد کرد و به‌عنوان تنها عامل استراتژیک برای رفع موانع و مخاطرات موجود در زمینه‌ی برون‌رفت از شرایط نامساعد حرفه‌ای کنونی در ایران این عامل استراتژیک نیاز به برنامه‌سازی کلان و بلندمدت (حداقل ده‌ساله) و تغییر زیرساخت‌های موجود دارد و تحقق نیافتن رشد و توسعه‌ی اقتصادی عامل بازدارنده و غیر قابل کنترلی در پهنه‌ی ترویج نظام حرفه‌ای و بسط و گسترش و اعمال کاربردی دانش فنی و حرفه‌ای حسابداری و حسابداری در ایران است. تا زمان تحقق این مهم تأثیرات ناشی از سیستم اقتصاد خرد به عنوان عوامل قابل کنترل، نقش لازم را ایفا می‌کند و می‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل غیراستراتژیک و کوتاه‌مدت یا میان‌مدت یاد کرد. بدون شک شکل‌گیری و انسجام زیرساخت‌های اقتصاد خرد ضابطه‌مندی و ابزارهای قانونی خاص خود را طلب می‌نماید که این امر در درجه‌ی اول با تصویب و اجرای قوانین لازم محقق می‌شود لکن جوامع حرفه‌ای و سازمان‌های نظارتی دولتی و غیردولتی نیز با تدوین مقررات و دستورالعمل‌های لازم و پرهیز از دوباره‌کاری و کاغذبازی می‌توانند به گونه‌ای موثر ایفای نقش نمایند. نمونه عوامل خرد سیستم اقتصادی عبارتند از:
- قانون‌مندی‌سازی سیستم اقتصاد خرد و حذف قوانین موازی و دست‌وپاگیر و دوری از روابط موجود در کلیه‌ی زمینه‌های اقتصادی.
- اجتناب از تداخل کار و مسئولیت نهادها و دستگاه‌های موازی از قبیل جامعه‌ی حسابداران رسمی، بورس و سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی.
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران رسمی و بورس اوراق بهادار در تدوین مقررات و دستورالعمل‌ها
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران و بورس با جامعه‌ی حرفه‌ای ایران و پاسخ‌گویی متقابل.

- اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای موجود.

- تغییر ساختار موجود موسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات تخصصی و حرفه‌ای به تریبی که موسسات کوچک ادغام شوند و ضابطه‌مندی درست و منصفانه با رعایت کامل مقررات آیین رفتار حرفه‌ای برای ارجاع کار به موسسات اعم از بزرگ و کوچک جایگزین شرایط موجود شود.
- اعمال نظارت قوی بر فعالیت موسسات ارائه‌کننده‌ی خدمات در جهت رعایت کامل استقلال حرفه‌ای نظارت و مراقبت، آموزش و کنترل کیفیت.
- اعمال دستورالعمل‌های مطمئن برای ارجاع کار و نرخ‌بندی قراردادهای نظارت قوی برای جلوگیری از شکل‌گیری روابط در ارجاع کار.
- تدوین قوانین و مقررات به منظور جلوگیری از فعالیت افراد غیر عضو یا غیر متخصص.

- تدوین قوانین و مقررات به منظور فراگیر شدن خدمات حرفه‌ای و اعتباربخشی در سطح کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد الزام برای اشخاصی که الزام قانونی ندارند.

- اصلاح شرایط و مناسبات حسابداری مالیاتی که استقلال حرفه‌ای را از جامعه‌ی حسابداران رسمی سلب و خدشه‌دار کرده است.

درخاتمه، رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود ضابطه‌مندی توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای را به دنبال دارد و تا تحقق چنین شرایطی وجود و جایگزینی ضابطه‌مندی مستقل و قانونمند توزیع فعالیت‌های حرفه‌ای به جای شرایط توزیع زبان‌بار فعلی ضرورت اساسی جامعه حرفه‌ای است که در صورت کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آن درآینده با چالش‌های بیش‌تری در این زمینه مواجه خواهیم شد.

بازار کار حسابداری مناسب است

محمد صالح

عضو هیات مدیره موسسه حسابداری و خدمات مالی آریا به‌روش

بازار کار خدمات حسابداری اگرچه به دلیل نبود مرجع تعیین‌کننده‌ی حداقل و حداکثر نرخ خدمات منجر به تفاوت آشکار قیمت در موسسات مختلف شده است که خود یکی از مشکلات موسسات حسابداری است اما خدمات حسابداران مورد توجه جامعه بوده و بازار کار مناسبی را برای آن‌ها رقم زده است. در حال حاضر، بیش‌تر شرکت‌های خصوصی نیازمند خدمات مالی و مشاوره‌ای حسابداری هستند و می‌توان گفت در فضای کنونی برای همه‌ی موسسات حسابداری کار وجود دارد که این موضوع - اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای

باعث شده تا دانشجویان حسابداری نسبت به برخی رشته‌ها کم‌تر نگران آینده شغلی خود باشند.

اگرچه برخی همکاران از نبود بازار کار مناسب گله می‌کنند و توقع درآمد روزافزون دارند اما هیچ موسسه‌ی حسابداری بی‌کار نبوده و حتی نسبت به سایر حرفه‌ها از بازار کار بهتری برخوردار هستند. با وجود بازار خدمات مناسب باز هم گرفتن کار یکی از دغدغه‌های موسسات حسابداری است و از آن‌جا که ضابطه‌ی مشخصی برای تعیین نرخ‌ها وجود ندارد، رقابت بی‌اساسی برای گرفتن کار شکل می‌گیرد. این در حالی است که سازمان حسابداری بهای مشخصی بر اساس درآمد، فروش، هزینه‌ها و... دارد که معمولاً بسیار بیش‌تر از نرخ حسابداری در موسسات حسابداری است. مشخص نبودن حداقل و حداکثر نرخ خدمات موجب تفاوت نرخ بین قراردادهای موسسات حسابداری شده است.

دیگر مشکل موسسات حسابداری را می‌توان نبود نیروی کار مناسب دانست. بسیاری از کسانی که به موسسات حسابداری برای کار مراجعه می‌کنند فاقد تجربه و دانش کافی بوده و بسیاری از آن‌ها در موسسات آموزش دیده و بعد از این‌که کارآموده شدند با پیشنهاد حقوق بالاتر جذب شرکت‌ها می‌شوند و در واقع موسسات حسابداری به محلی برای آموزش و سکوی پرتاب فارغ‌التحصیلان حسابداری تبدیل شده است. به نحوی که مدیران یا در حال آموزش به نیروها هستند یا به دنبال نیروی مناسب سرگردانند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های بازآموزی برای هیات مدیره‌ی موسسات مناسب باشد و به ارتقای دانش مدیران براساس اطلاعات روز یاری کند. تاکنون آزمون و دوره‌ای برای مدیران برگزار نشده است.

بازار خدمات حسابداری در آینده بسیار مناسب ارزیابی می‌شود با افزایش شرکت‌های بخش خصوصی و ادغام موسسات حسابداری و تاسیس موسسات بزرگ حسابداری انتظار می‌رود نه تنها در بخش گزارش‌های برون‌سازمانی شرکت‌ها برای گرفتن وام، بلکه بسیاری از شرکت‌ها داوطلبانه برای بهره‌گیری از خدمات حسابداری اقدام کنند.



هنوز خانه‌زاد هستیم

مجید صفاتی

شریک مدیریت ره‌یافت و همکاران

این را که هنوز بازار خدمات حسابداری در ایران با چالش‌های جدی و آشکاری مواجه است را می‌توان در چندین مقوله مورد بررسی قرار داد. نخست، نوع نگاه حاکم بر حرفه‌ی ماست. هنوز همان نگاه خانه‌زادی پیشین در مردمان سرزمین ما سایه افکنده و تداوم دارد. دیگر آن‌که مباحثی که دانشجو در کلاس از استاد

می‌آموزد و حفظ می‌کند و معادله‌هایی که حل می‌کند، از مباحث عملی حسابداری فاصله‌ی بسیاری دارد. وجود تناقض آشکار بین تعلیم‌دهندگان با اعمال مشاهده شده از ایشان در سطح دانشجویی را نیز نباید از یاد برد. این همه فاصله در نهایت به سردرگمی نسل جدید امیدوار به آینده منجر می‌شود. از سوی دیگر، عدم تامین سرمایه‌ی لازم و عمده جهت استقرار زیرساخت‌ها سبب می‌شود تا ترکیب موسسات و افراد همکار در آن موسسه که غیرهمگن هم شود و این خود موجب مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌ی خدمات حسابداری در کشور می‌شود.

به گمان من، دیگر موضوعی که باید در این بین مورد بررسی قرار گیرد، نیازهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موسسات حسابداری است که کمبود آن در این موسسات، بازار خدمات حسابداری را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

مقوله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم عدم شناسایی صلاحیت‌های تاییدشده است. به این معنا که اعتبار عضو جامعه در بانک کم‌تر از یک مغازه‌دار است. از نظر بانکداران اعتبار پروانه‌ی کسب جهت استفاده از تسهیلات بانکی، از اعتبار ما حساب‌برسان بیشتر است. در واقع این کارت ما پشتوانه‌ای برای ما محسوب نمی‌شود.

عدم الزام عملی به رعایت اخلاقی و توسط همکاران و حضور در رقابت‌های ناسالم و عدم تعریف جایگاه حساب‌برسان در جامعه، از دیگر مقوله‌هاست. از سوی دیگر، وجود دو روحیه‌ی متفاوت در تقسیم کار زمینه‌ای فراهم کرده تا یک شاخه‌ی آن به «تقسیم کار کوپنی بدون توجه به کیفیت موسسات» و یا «تقسیم کار با اعمال نظر از سوی مسئولان و تقسیم‌کنندگان کار با توجه به آثار رویه‌های غیر اخلاقی» در میان ما رواج یابد.

عدم نگاه به بیرون از مرزها و استفاده‌ی عنوانی از نمایندگی‌های خارجی در رقابت‌های خارجی، عدم توجه کافی به خود مدیر و حذف مدیران دارای جایگاه و تفکر مالی اقتصادی حتی در صحنه‌های سیاسی با نگاه جلب رضایت اکثریت غالب به جای منافع ملی، پرداخت بی‌حساب و کتاب در تشکیلات غیرخصوصی و عدم حضور نیروهای فعال بخش مذکور در بخش خصوصی و عافیت طلب شدن آنان، تحت پوشش بودن و پنهان شدن افراد حرفه‌ای در موسسات غیرخصوصی و عدم پاسخ‌گویی به گروه‌های ناظر، از دیگر موضوعاتی است که باید در حوزه‌ی بازار خدمات حسابداری در ایران مورد بررسی قرار گیرد. حتی احتیاط گروه‌های ناظر و تشکل‌ها در برخورد با آن‌ها به این‌جا رسیده است که نگاه حاکم بر جامعه به سمت بی‌توجهی به زحمات تحمل‌شده توسط افراد حرفه‌ای و انگشت اتهام دراز کردن به سمت کلیه‌ی حساب‌برسان ختم شود. متأسفانه القای این نظر از کلاس‌های دانشگاهی آغاز می‌شود که خود تولیدکننده‌ی همکاران موسسات حسابداری هستند.

در نهایت، می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که متأسفانه نگاه به حسابداران به عنوان میرزای حجره در فرهنگ سنتی و تنزل جایگاه آنان در دوران جدید موجب شده است که اکنون دیگر ما معتمد مشتریانمان نباشیم.



شناخت جایگاه واقعی حسابرسی

سید هادی علی پور

عضو هیات مدیره بهرنگ روش

قبوض به حساب سازمان مالیاتی ریخته می‌شود، مشکلاتی برای موسسات به همراه دارد چون سازمان مالیاتی از ما تاییدیه می‌خواهد و ما باید نیرویی را به این شهرستان‌ها برای جمع‌آوری تاییدیه اعزام کنیم که بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است و لازم است در این باره بازنگری اساسی انجام شود.

باید توجه داشت که موسسات حسابرسی در تمام دنیا وجهه و اعتبار خاصی دارند، چون تمام دادوستدهای اقتصادی با اطمینان از صورت‌های مالی این موسسات انجام می‌شود، مثلاً در بورس سهام‌داران با حسابرسی موسسات خریدوفروش انجام می‌دهند. بنابراین ما از استقلال حرفه‌ای برخورداریم و هرچند فعالیت اقتصادی نداریم اما در اقتصاد جایگاه ویژه‌ای داریم و بیش‌تر خدمت‌دهنده هستیم. البته در این مدت اخیر فعالیت‌های اقتصادی کم‌وبیش بر کار ما هم اثر گذاشته و حجم کار ما ناخواسته کم شده است.



رشد ناچیز دستمزدها

علی مشرفی ارانی

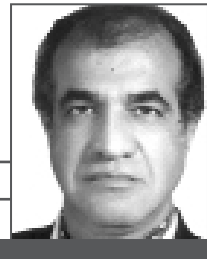
رئیس هیات مدیره‌ی بهمند

با توجه به حجم کار، متأسفانه در سال‌های اخیر دستمزدها رشد ناچیزی داشته و از سوی دیگر پرداخت اقساط دستمزدها هم از سوی شرکت‌ها به تعویق افتاده است. چون ۸۰ درصد حق‌الزحمه‌ی ما صرف حقوق کارکنان می‌شود، رشد درآمدی در این مدت نداشتیم و بسیاری از موسسات به سختی قادر به فعالیت هستند.

همان‌طور که می‌دانید مطابق قانون حسابرسی در شرکت‌ها الزامی است و از آن‌جایی که حجم بالایی از کار ما بیش‌تر با شرکت‌های خصوصی است، در این آشفته‌بازار اقتصادی چون آن‌ها تحت هر شرایطی موجودیت خود را حفظ کرده‌اند لذا ما هم توانسته‌ایم در این بازار دوام داشته باشیم. خوشبختانه با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری، به دلیل رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات آن‌ها به راحتی جذب بازار کار می‌شوند. لذا کمک ما به اقتصاد کشور نه تنها شفاف‌سازی صورت‌های مالی موسسات و شرکت‌ها است بلکه نیروی فارغ‌التحصیل این رشته را هم به خدمت می‌گیریم.

با این شرایط، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران باید رویه‌ای اجرا کنند تا بر مبنای آن قیمت‌های حسابرسی اصولی تعیین شود و موسسات مشکل تعیین دستمزد یا عدم پرداخت به‌موقع را نداشته باشند چون هر قدر اعتمادسازی دوطرفه باشد کارها با سهولت بیش‌تری انجام خواهد شد.

رقابت در بازار کار حسابرسی فوق‌العاده بی‌بندوبار است و همکاران بدون این که ارزش کار خود را بدانند برای داشتن کار رقم‌های ناچیزی پیشنهاد می‌دهند و برای همین شرکت‌ها هم از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که باید نرخ‌ها واقعی تعیین شود و برای مثال یک کار ۵ میلیون تومانی با ۳ میلیون تومان انجام نشود، در این صورت ادامه‌ی کار برای همه‌ی موسسات حسابرسی میسر خواهد شد و کیفیت کار هم افزایش می‌یابد. متأسفانه به دلیل تورم و رکود و مشکل نقدینگی، برخی شرکت‌ها با زیان روبه‌رو هستند و نمی‌توانند دستمزد موسسات را به‌موقع پرداخت کنند و گویا اخیراً این وضعیت تبدیل مرسوم شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که موسسات برای دوام ناگزیر هستند از نیروی ماهر و متخصص خود بکاهند یا در قبال زحمتی که آن‌ها متقبل می‌شوند دستمزد ناچیزی پرداخت کنند که تمام این موارد نارضایتی به همراه دارد. از نظر قانون جایگاه خوبی برای موسسات پیش‌بینی شده است اما باید شرایط اجرای آن هم وجود داشته باشد و هر کس بنا به سلیقه با موسسات رفتار نکند چون در تمام دنیا صورت‌های مالی یک شرکت که از طرف یک موسسه‌ی حسابرسی ارائه می‌شود اهمیت فراوانی در معاملات دارد. شاید هنوز در کشور ما نیاز به زمان بیش‌تری برای شناخت جایگاه واقعی موسسات وجود دارد و باید در کنار قوانین جامع کار فرهنگ‌سازی هم صورت گیرد.



سازمان مالیاتی و مشکل قبوض مالیاتی

قاسم مرآت‌ی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی بیات رایان

مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی از نظر من حسابرسی‌های مالیاتی است که بحثی فنی است و سال‌هاست موسسات با آن روبه‌رو هستند و جلسه‌های زیادی هم برگزار شده که تاکنون بی‌نتیجه بوده است. باید از نقطه‌نظر اجرای قوانین و بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود به‌درستی تبیین شوند و سازمان امور مالیاتی بررسی‌هایی را روی این گزارش‌ها انجام دهد. اما نکته‌ی بعدی که باید به آن اشاره کنم قبوض ۵ درصد مالیاتی است که از حق‌الزحمه‌ی موسسات توسط سازمان مالیاتی کم می‌شود، از آن‌جایی که موسسات در سرتاسر کشور حسابرسی شرکت‌ها را انجام می‌دهند و در هر شهرستان این



حساب‌سازی، مشکل حسابرسی

زیداله مشکاتی

شریک موسسه حسابرسی و خدمات مالی آبان روش

حسابرسی است. اگرچه قوانین و مقررات خوبی انشا شده است اما در اجرا ناکارآمد است. چرا که حسابرسی از جبر است نه اختیار. شرکت‌ها تمایلی به حساب‌دهی ندارند و زمانی به موسسات حسابرسی مراجعه می‌کنند که نیازمند حسابرسی برای گرفتن وام و... هستند. این نوع نگاه به حسابرسی موجب شده بازار خدمات حسابرسی محدود شود. برگزاری مناقصه برای حسابرسی نیز به تنگ‌تر شدن دایره‌ی فعالیت حساب‌رسان منجر شده است و موسسات کوچک برای تداوم بقا نرخ‌شکنی می‌کنند. تا زمانی که نگاه به حسابرسی در جامعه‌ی ما با دانش و آگاهی و توجه به مزایای شفافیت اطلاعاتی همراه نباشد، بازار خدمات حسابرسی محدود خواهد ماند.



ما تحمیل شدیم

رسول نصیری خوبدهی

مدیر عامل موسسه حسابرسی پرسپان یاد

اکثر موسسات حسابرسی نیروهای متخصص و کارآمدی دارند که به دلیل داشتن کار فصلی و درآمد پایین مجبورند کم‌تر از خدمات تخصصی آن‌ها استفاده کنند. در حال حاضر، اوج کار موسسات در تیرماه و ۶ ماه اول سال است و بعد از آن باید حقوق کارمندان به قولی از جیب پرداخت کنند و این در شرایط اقتصادی امروز اصلاً منصفانه نیست، لذا ناگزیر به تعدیل نیروهای متخصص خود هستیم. به نظر بنده، متأسفانه با وجودی که در قانون بر حضور موسسات حسابرسی تأکید شده اما جایگاه حقوقی نداریم و به شرکت‌ها تحمیل شدیم. آن‌ها ناگزیر به استفاده از خدمات ما هستند و تا جایی که امکان داشته باشد از حسابرسی فرار می‌کنند. در حالی که برای شفاف‌سازی معاملات در بازار اقتصادی، حسابرسی مالی شرکت‌ها امری ضروری و قطعی است. عمده‌ی فعالیت موسسات با شرکت‌های خصوصی است که اگر خصوصی‌سازی طبق قانون مصوب انجام شود کار ما هم رونق خواهد گرفت، هرچند که در شرایط فعلی اقتصاد، اکثر شرکت‌های خصوصی بدهی معوق به موسسات دارند. اگر از رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات حسابرسی جلوگیری شود و تقسیم کار عادلانه باشد در این صورت موسسات حسابرسی می‌توانند به جایگاه واقعی خود در کشور هم برسند چون ما از لحاظ قانونی مشکلی نداریم و قانون به درستی وظیفه‌ی ما را در مقابل شرکت‌ها و بالعکس شرح داده است.

حسابرسی مهم‌ترین مشکل در جامعه‌ی است که بیش‌تر افراد تمایلی به حساب‌دهی نداشته و به جای آن حساب‌سازی را دوست دارند. در چنین شرایطی، نه تنها واقعیت‌ها درست منعکس نمی‌شود بلکه ارجاع کار به موسسات حسابرسی کم‌تر و آن‌هم از روی اجبار است. جالب آن‌که در چنین بازار محدودی، حسابرسی نیز تاحدودی همچون دیگر بخش‌ها متأثر از روابط است و در روابط گاهی مسایلی همچون انتفاع هیات مدیره‌ی شرکت‌ها محوریت قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، ارجاع کار به حساب‌رسانی که بخواهند سالم کار کنند، کم‌تر شده و حجم کارشان کاهش می‌یابد که این موضوع یکی از معضلات موسسات حسابرسی در ایران است.

برای آن‌که در جامعه‌ی گردش معقول اطلاعات اتفاق بیفتد و از گردش مالی غلط جلوگیری شود نیاز به دو سیستم است نخست قوه قضاییه‌ی مستقل و دیگر مطبوعات آزاد. در جامعه‌ی که مطبوعات آزاد وجود داشته باشد، کم‌تر حساب‌سازی اتفاق می‌افتد. بازار خدمات حسابرسی عام در ایران، جایگاهی در نظام اقتصادی ندارد چرا که جایگاه اقتصادی این موسسات متکی به شراکت و تا نتوانند از عهده‌ی هزینه‌هایشان برآیند، جایگاهی در نظام اقتصادی نخواهند داشت. این در حالی است که موسسات موسسات باید از منابع معقول مالی برخوردار باشند تا از عهده‌ی هزینه‌های اولیه برآمده و به نقطه‌ی سر به سر برسند بنابراین فقط با تکیه به دانش نمی‌توان موسسه تاسیس کرد.

موسسات حسابرسی جایگاه اقتصادی خاصی در جامعه‌ی ما ندارند. به دلیل آن‌که سطح قراردادهای کم بوده، رقابت کاذب بین موسسات حسابرسی برای گرفتن کار ایجاد می‌شود که این موضوع گاهی به شکسته شدن قیمت‌ها نیز منجر می‌شود. به نحوی که برای انتخاب حسابرس گاهی آگهی مناقصه داده یا استعلام مستقیم قیمت از موسسات حسابرسی می‌کنند تا به کم‌ترین قیمت پیشنهادی کار را واگذار کنند و در این شرایط فعالیت حرفه‌ای و اعتبار حسابرس نادیده گرفته می‌شود و فقط قیمت معیار اصلی برای واگذاری کار است. و کیفیت کار حسابرسی که مهم‌ترین فاکتور ارزیابی حسابرسی است نادیده گرفته می‌شود. مناقصه برای کار حسابرسی یکی از مشکلاتی است که فعالیت حرفه‌ای را متأثر کرده است. حسابرس، پیمانکار نیست که برای آن آگهی داده شود تا جایی که برخی همکاران مجبور شوند نرخ را بدهند که اعتقادی به آن ندارند. گرفتن کار برای موسسات حسابرسی همچون دیگر بخش‌های جامعه بستگی به روابط؛ نرخ پایین و همراهی با شرکت مورد تقاضا را دارد که البته موارد اول و دوم اجتناب‌ناپذیر است و خوشبختانه تعداد حساب‌رسانی که به حرفه‌ی خود پایبند نیستند، بسیار اندک است. عدم اجرای درست قوانین و مقررات دیگر مشکل موسسات



حسابرسی مبتنی بر رابطه‌ها

عبدالناصر احمدیان مزرعه یزدی

نایب رئیس هیات مدیره به روزآوران ژرف اندیش

آن با اصلاح ساختار این سازمان‌ها گره خورده و کار را بسیار دشوار کرده است. بنابراین مهم‌ترین مشکل پیش روی جامعه‌ی حرفه‌ای در سطح کلان، اصلاح ساختار و نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه است. اما در درون تشکل حرفه‌ای و در سطح خرد، نیز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که بخشی از آن‌ها بدین شرح است:

- ۱- جذب و نگهداری پرسنل حرفه‌ای و واجد صلاحیت خصوصاً در موسسات کوچک.
 - ۲- جذب کار و عدم اطمینان از ماندگار بودن کارها.
 - ۳- سلیقه‌های مختلف شرکا.
 - ۴- تهیه‌ی محل و فضاهای مناسب کار خصوصاً ضرورت استفاده از دفاتر اداری.
 - ۵- انتظارات مختلف واحدهای نظارتی.
 - ۶- نرخ‌شکنی که تنها راه تداوم فعالیت موسسات کوچک است.
 - ۷- افزایش سالانه‌ی حجم پرونده‌های حسابرسی و دوره‌ی نگهداری آن‌ها.
 - ۸- عدم پیش‌بینی استانداردهای گزارشگری در خصوص تعدادی از کارها مثلاً دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها و ابهام در انتظارات استفاده‌کنندگان آن‌ها.
 - ۹- مشکل تهیه‌ی نرم‌افزارهای مناسب.
 - ۱۰- نفوذ بیش از اندازه‌ی بعضی از اعضای گروه‌های عضو در ختم‌شده‌های جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران.
 - ۱۱- عدم شناسایی مناسب حرفه به بخش خصوصی و کوچک.
 - ۱۲- نرخ پایین کار حسابرسی در کشور.
 - ۱۳- عدم وجود سیستم پاسخ‌گویی در جامعه که معمولاً نتایج کار حسابرسی (گزارش حسابرسی) را در بایگانی راکد فرو می‌برد.
- در پایان، امیدوارم با رفع مشکلات بازار سرمایه در اقتصاد ایران، حسابرسی جایگاه خود را در این بازار بازیابی نماید.

بازار کاری برای موسسات حسابرسی بازار خوبی نیست و متأسفانه هر روز هم بدتر می‌شود. در این بازار افزایش دستمزدها یا خیلی کم است یا اصلاً وجود ندارد؛ شاید چون عمده شرکت‌های اقتصادی زیان‌ده هستند. البته، موسسات رقم بالایی برای دستمزد خود تقاضا نمی‌کنند اما همین رقم هم امروز بسیار کاهش داشته است. در نتیجه، موسسات نمی‌توانند گردش مالی خوبی داشته باشند و گاه حتی برای پرداخت حقوق کارکنان‌شان هم مستاصل هستند. با این حال خود را سرپا نگه داشته‌اند به امید روزی که شرایط بازار کاری بهبود یابد.

در گذشته، سازمان حسابرسی به نسبتی کارها را تقسیم می‌کرد و همه‌ی موسسات کار داشتند اما از وقتی که یافتن کار را به عهده‌ی خود موسسات گذاشته‌اند همه چیز رابطه‌ای شده است. لذا این موسسات ناگزیرند از کانال‌های خود به‌هرحال در سال چند کاری را انجام دهند. این روند اصلاً مناسب نیست چون در حسابرسی کیفیت کار بسیار مهم است و اگر موسسه‌ای تنها با رابطه کار انجام دهد و کیفیتی هم نداشته باشد برای بازار مالی اصلاً خوب نیست.

از طرفی اکثر شرکت‌ها الزامی برای حسابرسی نمی‌بینند و این کار را لوکس و تجملی می‌دانند و از طرف دیگر گاهی حتی درصدد حذف حسابرسی هستند که در این باره باید قوانین حمایتی وضع شود. در غیر این صورت موسسات حسابرسی به مرور زمان کنار گذاشته می‌شوند.



موسسات حسابرسی

در چنبره‌ی اقتصاد دولتی

رضا ایوبی

رئیس هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی اطهر

موسسات حسابرسی در اقتصاد دولتی توان رقابت کم‌تری دارند. با گسترش بدنه‌ی دولت و افزایش تصدی‌گری آن، ارجاع کار به موسسات حسابرسی کاهش می‌یابد. موسسات حسابرسی در ایران که دولتی با اندازه‌ی اقتصادی بزرگ دارد، جایگاه اقتصادی مناسبی نداشته چراکه در چنین شرایطی حسابرس تحمیلی و توافقی است و موسسات حسابرسی در بخش کوچکی که اقتصاد آزاد بر آن حاکم است، رقابتی و تحت فشار بحران‌ها قرار داشته و از حمایت کافی برخوردار نیستند. بنابراین شرایط کاری سختی بر آنها حاکم است.

در چنین محیط رقابتی، گاهی برخی موسسات سود خود را برای تداوم بقای کاری خود آن‌چنان پایین می‌آورند که توجیه‌پذیر نیست و رقابتی بی‌پایه و اساس را شکل می‌دهند که

اصلاح ساختار سازمان‌ها

ضرورتی برای فعالیت حرفه‌ای حسابرسان

محمد افسری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی آگاه‌نگر



نسل جدید موسسات حسابرسی در ایران بسیار جوان و نوپاست و وجود یک سری مشکلات و تنگناها در ابتدای راه دور از انتظار نیست. اما مهم آن است که ساختار جامعه‌ی حرفه‌ای به نحوی طراحی و سازمان‌دهی شود که به‌سرعت این مشکلات برطرف و به یک نظام صحیح و پویا تبدیل شود. به‌ویژه با توجه به تخصص و تجربه‌ی بالای همکاران حرفه‌ای و امکان استفاده از الگوهای پیشرفته‌ی جامعه‌ی بشری و نهادها و موسسات با سابقه‌ی جهانی، این امر به‌سهولت قابل انجام است.

طبعاً جامعه‌ی حسابرسی با سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه از جمله سازمان‌های بوروکراتیک و ناکارآمدی مثل تامین اجتماعی و بازنشستگی، مالیاتی، بورس و سایر سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در رابطه‌ی نزدیک بوده و از نقاط ضعف و مشکلات آن‌ها مصون نمانده است. ضمن این‌که استقرار نظام صحیح و درست در



بازار خدمات نامطلوب با اجرای ضعیف قوانین

جهانگیر حاجی میرزابیگی

مدیرعامل موسسه‌ی حسابرسی و خدمات مالی فراز حساب

اجرای ضعیف قوانین در کشور یکی از مهم‌ترین مشکلات موسسات حسابرسی است که بازار خدمات آن‌ها را متاثر از خود کرده است. در حالی که با تصویب آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی در مورخ ۸ اردیبهشت ۸۸ چنین تصور شد که حسابرسی مورد توجه دولت قرار گرفته و اجرای آن رونق کاری موسسات حسابرسی را به همراه خواهد داشت اما عدم اطلاع‌رسانی مناسب به سطح جامعه موجب شد که حتی بسیاری از کسانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این آیین‌نامه مورد خطاب قرار گرفته بودند، نیز از وجود چنین بخشنامه‌ای بی‌اطلاع باشند. طبیعی است که عدم اجرا نتیجه‌ی بی‌اطلاعی است. در حال حاضر بیش از ۸ ماه از تصویب چنین آیین‌نامه‌ای می‌گذرد در حالی که به حجم فعالیت موسسات حسابرسی افزوده نشده است.

ماده ۲ این آیین‌نامه مقرر کرده است، دستگاه‌های اجرایی مذکور در ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) مکلفند از انعقاد قرارداد مازاد بر مبلغ ده برابر نصاب معاملات بزرگ موضوع قانون برگزاری مناقصات (مصوب ۱۳۸۳) با اشخاص مشمول این آیین‌نامه که فاقد صورت‌های مالی حسابرسی شده باشند، خودداری کنند.

همچنین بر اساس ماده ۳ این آیین‌نامه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور موظف است هرگونه رتبه‌بندی و تعیین صلاحیت اشخاص مشمول این آیین‌نامه (از جمله شرکت‌های پیمان‌کاری و مشاوره) را به ارائه‌ی صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ی آن‌ها منوط نماید. ماده ۵، سازمان بورس را مکلف کرده است که از پذیرش سهام شرکت‌هایی که شرکت‌های تابع و وابسته‌ی آن‌ها فاقد گزارش حسابرسی شده هستند خودداری کند و نماد عملیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در صورت عدم رعایت تکلیف مقرر در این ماده ظرف شش ماه بسته خواهد شد. بر اساس ماده ۶، سازمان امور مالیاتی کشور مکلف شده است با رعایت قوانین و مقررات مربوط اظهارنامه‌ی اشخاص مشمول این آیین‌نامه را صرفاً به انضمام صورت‌های مالی حسابرسی شده، بررسی و در صورت عدم ارائه‌ی صورت‌های مالی حسابرسی شده بر مبنای علی‌الراس نسبت به تشخیص مالیات اقدام نماید.

مواد یادشده، همه بهره‌گیری از خدمات حسابرسی را خاطر نشان می‌کند. در حالی که حتی گاهی به نظر می‌رسد مقام‌های مالیاتی در سطوح میانی از وجود چنین آیین‌نامه‌ای بی‌اطلاع باشند. حال این سوال مطرح است که آیا این آیین‌نامه به تمام استان‌ها، مدیرکل‌ها و ممیزان مالیاتی ابلاغ شده است و آیا مدیران به کارشناسان خود اطلاع‌رسانی کرده‌اند؟ از طرف دیگر، شرکت‌های پیمان‌کاری که تعداد قابل ملاحظه‌ای از شرکت‌های کشور را تشکیل می‌دهند بر اساس آیین‌نامه‌ی یادشده موظف به ارائه‌ی گزارش حسابرسی شده‌اند، در حالی که پیمان‌کاران تمایلی به حساب‌دهی ندارند و ضمانت اجرایی لازم برای اجبار آن‌ها به استفاده از خدمات حسابرسی وجود ندارد.

بدون توجه به تجربه‌ی کار حرفه‌ای است و کیفیت کار حسابرسی (فرایندهای رسیدگی و اظهار نظر) و در نهایت اعتلای حرفه‌ای را با چالش جدی مواجه خواهد کرد.

وقتی شرکتی با بحران مواجه می‌شود، ریسک کار خدمات حسابرسی در این شرکت بالا رفته و با افزایش ریسک، آزمون محتوایی نیز بالا رفته و حجم کار افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود که بهای خدمات حسابرسی افزایش یابد، در صورتی که چنین نمی‌شود و صاحب‌کار توقع انجام کار با نرخ پایین‌تر دارد. محدودیت انعقاد قراردادها موسسات را به سمت سود کم‌تر سوق داده است.

از طرف دیگر، با وجودی که برای سایر مشاغل خدماتی از قبیل خدمات فنی و مهندسی، فهرست بهایی را سازمان برنامه سابق تعیین کرده که حداقل بهای ارائه‌ی خدمات را خاطر نشان می‌کند. با گذشت زمان، برخی صاحبان قرارداد معمولاً مجبور به تعدیل بر اساس آخرین فهرست بهای منتشره‌ی این نهاد می‌شوند. از این نظر مرجعی برای تعیین حداقل‌ها حتی با گذشت زمان و تغییر نرخ‌ها دارند اما در حرفه‌ی حسابرسی و خدمات مالی فهرست بهایی وجود ندارد و حداقل نرخ‌ها مشخص نیست. ضمن اینکه نرخ‌ها به شدت تحت اعمال نفوذ صاحب‌کاران قرار دارد. به طوری که که بازهم کارفرما انتظار انجام کار با بهای پایین‌تر را داشته و به صراحت اعلام می‌کند، در صورتی که با نرخ مورد نظر وی موافقت نشود، به موسسات دیگر مراجعه خواهد کرد. این در حالی است که طبق رویه‌ی معمول هر ساله نرخ ارائه‌ی خدمات حسابرسی در رده‌های مختلف حرفه‌ای در سازمان حسابرسی را شورای اقتصاد تعیین می‌کند. این نرخ‌ها تفاوت آشکاری با نرخ موسسات حسابرسی دارد. اما جالب آن‌که با وجودی که نوع صدور گزارش و فرایند رسیدگی بین موسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی یکسان است اما صاحبان کار، به دلیل وجود فضای رقابتی، انتظار نرخ پایین‌تر را از موسسات حسابرسی دارند.

یکی از مهم‌ترین شرایط حسابرسی، استقلال آن است که متکی بر تجربه و مراقبت حرفه‌ای است. اما به دلیل اقتصاد تحت سیطره‌ی دولت، استقلال حسابرسی نیز با ابهام مواجه است. حسابرسی شرکت‌های دولتی را که تعداد آن‌ها زیاد است سازمان حسابرسی انجام می‌دهد و موسسات حسابرسی در بخشی از اقتصاد آزاد که چندان تمایلی به شفاف‌سازی حساب‌های خود ندارند با یکدیگر رقابت می‌کنند.

کمبود نیروی انسانی باتجربه نیز یکی از دغدغه‌های موسسات حسابرسی است. به رغم این که تعداد فارغ‌التحصیلان حسابداری ما کم نیستند، اما موسسات حسابرسی همواره از کمبود نیروی انسانی باتجربه رنج می‌برند زیرا فارغ‌التحصیلان فاقد تجربه‌ی لازم برای کار در موسسات حسابرسی هستند و به نوعی ناهمخوانی بین دانشگاه‌های ما با محیط کار حرفه‌ای وجود دارد و آنچه در دانشگاه‌های ما به دانشجویان حسابداری آموزش داده می‌شود متناسب با نیاز جامعه‌ی کاری نیست.



شناخت جایگاه واقعی حسابرسی

سید هادی علی پور

عضو هیات مدیره بهرنگ روش

قبوض به حساب سازمان مالیاتی ریخته می‌شود، مشکلاتی برای موسسات به همراه دارد چون سازمان مالیاتی از ما تاییدیه می‌خواهد و ما باید نیرویی را به این شهرستان‌ها برای جمع‌آوری تاییدیه اعزام کنیم که بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است و لازم است در این باره بازنگری اساسی انجام شود.

باید توجه داشت که موسسات حسابرسی در تمام دنیا وجهه و اعتبار خاصی دارند، چون تمام دادوستدهای اقتصادی با اطمینان از صورت‌های مالی این موسسات انجام می‌شود، مثلاً در بورس سهام‌داران با حسابرسی موسسات خریدوفروش انجام می‌دهند. بنابراین ما از استقلال حرفه‌ای برخورداریم و هرچند فعالیت اقتصادی نداریم اما در اقتصاد جایگاه ویژه‌ای داریم و بیش‌تر خدمت‌دهنده هستیم. البته در این مدت اخیر فعالیت‌های اقتصادی کم‌وبیش بر کار ما هم اثر گذاشته و حجم کار ما ناخواسته کم شده است.



رشد ناچیز دستمزدها

علی مشرفی ارانی

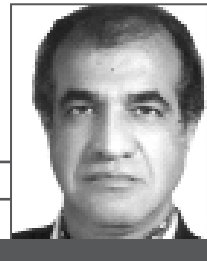
رئیس هیات مدیره‌ی بهمند

با توجه به حجم کار، متأسفانه در سال‌های اخیر دستمزدها رشد ناچیزی داشته و از سوی دیگر پرداخت اقساط دستمزدها هم از سوی شرکت‌ها به تعویق افتاده است. چون ۸۰ درصد حق‌الزحمه‌ی ما صرف حقوق کارکنان می‌شود، رشد درآمدی در این مدت نداشتیم و بسیاری از موسسات به سختی قادر به فعالیت هستند.

همان‌طور که می‌دانید مطابق قانون حسابرسی در شرکت‌ها الزامی است و از آن‌جایی که حجم بالایی از کار ما بیش‌تر با شرکت‌های خصوصی است، در این آشفته‌بازار اقتصادی چون آن‌ها تحت هر شرایطی موجودیت خود را حفظ کرده‌اند لذا ما هم توانسته‌ایم در این بازار دوام داشته باشیم. خوشبختانه با وجود تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حسابداری، به دلیل رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات آن‌ها به راحتی جذب بازار کار می‌شوند. لذا کمک ما به اقتصاد کشور نه تنها شفاف‌سازی صورت‌های مالی موسسات و شرکت‌ها است بلکه نیروی فارغ‌التحصیل این رشته را هم به خدمت می‌گیریم.

با این شرایط، قانون‌گذاران و دست‌اندرکاران باید رویه‌ای اجرا کنند تا بر مبنای آن قیمت‌های حسابرسی اصولی تعیین شود و موسسات مشکل تعیین دستمزد یا عدم پرداخت به‌موقع را نداشته باشند چون هر قدر اعتمادسازی دوطرفه باشد کارها با سهولت بیش‌تری انجام خواهد شد.

رقابت در بازار کار حسابرسی فوق‌العاده بی‌بندوبار است و همکاران بدون این که ارزش کار خود را بدانند برای داشتن کار رقم‌های ناچیزی پیشنهاد می‌دهند و برای همین شرکت‌ها هم از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند. در حالی که باید نرخ‌ها واقعی تعیین شود و برای مثال یک کار ۵ میلیون تومانی با ۳ میلیون تومان انجام نشود، در این صورت ادامه‌ی کار برای همه‌ی موسسات حسابرسی میسر خواهد شد و کیفیت کار هم افزایش می‌یابد. متأسفانه به دلیل تورم و رکود و مشکل نقدینگی، برخی شرکت‌ها با زیان روبه‌رو هستند و نمی‌توانند دستمزد موسسات را به‌موقع پرداخت کنند و گویا اخیراً این وضعیت تبدیل مرسوم شده است. در چنین شرایطی طبیعی است که موسسات برای دوام ناگزیر هستند از نیروی ماهر و متخصص خود بکاهند یا در قبال زحمتی که آن‌ها متقبل می‌شوند دستمزد ناچیزی پرداخت کنند که تمام این موارد نارضایتی به همراه دارد. از نظر قانون جایگاه خوبی برای موسسات پیش‌بینی شده است اما باید شرایط اجرای آن هم وجود داشته باشد و هر کس بنا به سلیقه با موسسات رفتار نکند چون در تمام دنیا صورت‌های مالی یک شرکت که از طرف یک موسسه‌ی حسابرسی ارائه می‌شود اهمیت فراوانی در معاملات دارد. شاید هنوز در کشور ما نیاز به زمان بیش‌تری برای شناخت جایگاه واقعی موسسات وجود دارد و باید در کنار قوانین جامع کار فرهنگ‌سازی هم صورت گیرد.



سازمان مالیاتی و مشکل قبوض مالیاتی

قاسم مرآت‌ی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی بیات رایان

مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی از نظر من حسابرسی‌های مالیاتی است که بحثی فنی است و سال‌هاست موسسات با آن روبه‌رو هستند و جلسه‌های زیادی هم برگزار شده که تاکنون بی‌نتیجه بوده است. باید از نقطه‌نظر اجرای قوانین و بخشنامه‌هایی که صادر می‌شود به‌درستی تبیین شوند و سازمان امور مالیاتی بررسی‌هایی را روی این گزارش‌ها انجام دهد. اما نکته‌ی بعدی که باید به آن اشاره کنم قبوض ۵ درصد مالیاتی است که از حق‌الزحمه‌ی موسسات توسط سازمان مالیاتی کم می‌شود، از آن‌جایی که موسسات در سرتاسر کشور حسابرسی شرکت‌ها را انجام می‌دهند و در هر شهرستان این



حسابرسی مبتنی بر رابطه‌ها

عبدالناصر احمدیان مزرعه یزدی

نایب رئیس هیات مدیره به روزآوران ژرف اندیش

آن با اصلاح ساختار این سازمان‌ها گره خورده و کار را بسیار دشوار کرده است. بنابراین مهم‌ترین مشکل پیش روی جامعه‌ی حرفه‌ای در سطح کلان، اصلاح ساختار و نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه است. اما در درون تشکل حرفه‌ای و در سطح خرد، نیز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که بخشی از آن‌ها بدین شرح است:

- ۱- جذب و نگهداری پرسنل حرفه‌ای و واجد صلاحیت خصوصاً در موسسات کوچک.
 - ۲- جذب کار و عدم اطمینان از ماندگار بودن کارها.
 - ۳- سلیقه‌های مختلف شرکا.
 - ۴- تهیه‌ی محل و فضاهای مناسب کار خصوصاً ضرورت استفاده از دفاتر اداری.
 - ۵- انتظارات مختلف واحدهای نظارتی.
 - ۶- نرخ‌شکنی که تنها راه تداوم فعالیت موسسات کوچک است.
 - ۷- افزایش سالانه‌ی حجم پرونده‌های حسابرسی و دوره‌ی نگهداری آن‌ها.
 - ۸- عدم پیش‌بینی استانداردهای گزارشگری در خصوص تعدادی از کارها مثلاً دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها و ابهام در انتظارات استفاده‌کنندگان آن‌ها.
 - ۹- مشکل تهیه‌ی نرم‌افزارهای مناسب.
 - ۱۰- نفوذ بیش از اندازه‌ی بعضی از اعضای گروه‌های عضو در ختم‌شده‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران.
 - ۱۱- عدم شناسایی مناسب حرفه به بخش خصوصی و کوچک.
 - ۱۲- نرخ پایین کار حسابرسی در کشور.
 - ۱۳- عدم وجود سیستم پاسخ‌گویی در جامعه که معمولاً نتایج کار حسابرسی (گزارش حسابرسی) را در بایگانی راکد فرو می‌برد.
- در پایان، امیدوارم با رفع مشکلات بازار سرمایه در اقتصاد ایران، حسابرسی جایگاه خود را در این بازار بازیابی نماید.

بازار کاری برای موسسات حسابرسی بازار خوبی نیست و متأسفانه هر روز هم بدتر می‌شود. در این بازار افزایش دستمزدها یا خیلی کم است یا اصلاً وجود ندارد؛ شاید چون عمده شرکت‌های اقتصادی زیان‌ده هستند. البته، موسسات رقم بالایی برای دستمزد خود تقاضا نمی‌کنند اما همین رقم هم امروز بسیار کاهش داشته است. در نتیجه، موسسات نمی‌توانند گردش مالی خوبی داشته باشند و گاه حتی برای پرداخت حقوق کارکنان‌شان هم مستاصل هستند. با این حال خود را سرپا نگه داشته‌اند به امید روزی که شرایط بازار کاری بهبود یابد.

در گذشته، سازمان حسابرسی به نسبتی کارها را تقسیم می‌کرد و همه‌ی موسسات کار داشتند اما از وقتی که یافتن کار را به عهده‌ی خود موسسات گذاشته‌اند همه چیز رابطه‌ای شده است. لذا این موسسات ناگزیرند از کانال‌های خود به‌هرحال در سال چند کاری را انجام دهند. این روند اصلاً مناسب نیست چون در حسابرسی کیفیت کار بسیار مهم است و اگر موسسه‌ای تنها با رابطه کار انجام دهد و کیفیتی هم نداشته باشد برای بازار مالی اصلاً خوب نیست.

از طرفی اکثر شرکت‌ها الزامی برای حسابرسی نمی‌بینند و این کار را لوکس و تجملی می‌دانند و از طرف دیگر گاهی حتی درصدد حذف حسابرسی هستند که در این باره باید قوانین حمایتی وضع شود. در غیر این صورت موسسات حسابرسی به مرور زمان کنار گذاشته می‌شوند.



موسسات حسابرسی

در چنبره‌ی اقتصاد دولتی

رضا ایوبی

رئیس هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی اطهر

موسسات حسابرسی در اقتصاد دولتی توان رقابت کم‌تری دارند. با گسترش بدنه‌ی دولت و افزایش تصدی‌گری آن، ارجاع کار به موسسات حسابرسی کاهش می‌یابد. موسسات حسابرسی در ایران که دولتی با اندازه‌ی اقتصادی بزرگ دارد، جایگاه اقتصادی مناسبی نداشته چراکه در چنین شرایطی حسابرس تحمیلی و توافقی است و موسسات حسابرسی در بخش کوچکی که اقتصاد آزاد بر آن حاکم است، رقابتی و تحت فشار بحران‌ها قرار داشته و از حمایت کافی برخوردار نیستند. بنابراین شرایط کاری سختی بر آنها حاکم است.

در چنین محیط رقابتی، گاهی برخی موسسات سود خود را برای تداوم بقای کاری خود آن‌چنان پایین می‌آورند که توجیه‌پذیر نیست و رقابتی بی‌پایه و اساس را شکل می‌دهند که

اصلاح ساختار سازمان‌ها

ضرورتی برای فعالیت حرفه‌ای حسابرسان

محمد افسری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی آگاه‌نگر



نسل جدید موسسات حسابرسی در ایران بسیار جوان و نوپاست و وجود یک سری مشکلات و تنگناها در ابتدای راه دور از انتظار نیست. اما مهم آن است که ساختار جامعه‌ی حرفه‌ای به نحوی طراحی و سازمان‌دهی شود که به‌سرعت این مشکلات برطرف و به یک نظام صحیح و پویا تبدیل شود. به‌ویژه با توجه به تخصص و تجربه‌ی بالای همکاران حرفه‌ای و امکان استفاده از الگوهای پیشرفته‌ی جامعه‌ی بشری و نهادها و موسسات با سابقه‌ی جهانی، این امر به‌سهولت قابل انجام است.

طبعاً جامعه‌ی حسابرسی با سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه از جمله سازمان‌های بوروکراتیک و ناکارآمدی مثل تامین اجتماعی و بازنشستگی، مالیاتی، بورس و سایر سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در رابطه‌ی نزدیک بوده و از نقاط ضعف و مشکلات آن‌ها مصون نمانده است. ضمن این‌که استقرار نظام صحیح و درست در



حسابرسی مبتنی بر رابطه‌ها

عبدالناصر احمدیان مزرعه یزدی

نایب رئیس هیات مدیره به روزآوران ژرف اندیش

آن با اصلاح ساختار این سازمان‌ها گره خورده و کار را بسیار دشوار کرده است. بنابراین مهم‌ترین مشکل پیش روی جامعه‌ی حرفه‌ای در سطح کلان، اصلاح ساختار و نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه است. اما در درون تشکل حرفه‌ای و در سطح خرد، نیز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که بخشی از آن‌ها بدین شرح است:

- ۱- جذب و نگهداری پرسنل حرفه‌ای و واجد صلاحیت خصوصاً در موسسات کوچک.
 - ۲- جذب کار و عدم اطمینان از ماندگار بودن کارها.
 - ۳- سلیقه‌های مختلف شرکا.
 - ۴- تهیه‌ی محل و فضاهای مناسب کار خصوصاً ضرورت استفاده از دفاتر اداری.
 - ۵- انتظارات مختلف واحدهای نظارتی.
 - ۶- نرخ‌شکنی که تنها راه تداوم فعالیت موسسات کوچک است.
 - ۷- افزایش سالانه‌ی حجم پرونده‌های حسابرسی و دوره‌ی نگهداری آن‌ها.
 - ۸- عدم پیش‌بینی استانداردهای گزارشگری در خصوص تعدادی از کارها مثلاً دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها و ابهام در انتظارات استفاده‌کنندگان آن‌ها.
 - ۹- مشکل تهیه‌ی نرم‌افزارهای مناسب.
 - ۱۰- نفوذ بیش از اندازه‌ی بعضی از اعضای گروه‌های عضو در ختم‌شده‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران.
 - ۱۱- عدم شناسایی مناسب حرفه به بخش خصوصی و کوچک.
 - ۱۲- نرخ پایین کار حسابرسی در کشور.
 - ۱۳- عدم وجود سیستم پاسخ‌گویی در جامعه که معمولاً نتایج کار حسابرسی (گزارش حسابرسی) را در بایگانی راکد فرو می‌برد.
- در پایان، امیدوارم با رفع مشکلات بازار سرمایه در اقتصاد ایران، حسابرسی جایگاه خود را در این بازار بازیابی نماید.

بازار کاری برای موسسات حسابرسی بازار خوبی نیست و متأسفانه هر روز هم بدتر می‌شود. در این بازار افزایش دستمزدها یا خیلی کم است یا اصلاً وجود ندارد؛ شاید چون عمده شرکت‌های اقتصادی زیان‌ده هستند. البته، موسسات رقم بالایی برای دستمزد خود تقاضا نمی‌کنند اما همین رقم هم امروز بسیار کاهش داشته است. در نتیجه، موسسات نمی‌توانند گردش مالی خوبی داشته باشند و گاه حتی برای پرداخت حقوق کارکنان‌شان هم مستاصل هستند. با این حال خود را سرپا نگه داشته‌اند به امید روزی که شرایط بازار کاری بهبود یابد.

در گذشته، سازمان حسابرسی به نسبتی کارها را تقسیم می‌کرد و همگی موسسات کار داشتند اما از وقتی که یافتن کار را به عهده‌ی خود موسسات گذاشته‌اند همه چیز رابطه‌ای شده است. لذا این موسسات ناگزیرند از کانال‌های خود به‌هرحال در سال چند کاری را انجام دهند. این روند اصلاً مناسب نیست چون در حسابرسی کیفیت کار بسیار مهم است و اگر موسسه‌ای تنها با رابطه کار انجام دهد و کیفیتی هم نداشته باشد برای بازار مالی اصلاً خوب نیست.

از طرفی اکثر شرکت‌ها الزامی برای حسابرسی نمی‌بینند و این کار را لوکس و تجملی می‌دانند و از طرف دیگر گاهی حتی درصدد حذف حسابرسی هستند که در این باره باید قوانین حمایتی وضع شود. در غیر این صورت موسسات حسابرسی به مرور زمان کنار گذاشته می‌شوند.



موسسات حسابرسی

در چنبره‌ی

اقتصاد دولتی

رضا ایوبی

رئیس هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی اطهر

موسسات حسابرسی در اقتصاد دولتی توان رقابت کم‌تری دارند. با گسترش بدنه‌ی دولت و افزایش تصدی‌گری آن، ارجاع کار به موسسات حسابرسی کاهش می‌یابد. موسسات حسابرسی در ایران که دولتی با اندازه‌ی اقتصادی بزرگ دارد، جایگاه اقتصادی مناسبی نداشته چراکه در چنین شرایطی حسابرس تحمیلی و توافقی است و موسسات حسابرسی در بخش کوچکی که اقتصاد آزاد بر آن حاکم است، رقابتی و تحت فشار بحران‌ها قرار داشته و از حمایت کافی برخوردار نیستند. بنابراین شرایط کاری سختی بر آنها حاکم است.

در چنین محیط رقابتی، گاهی برخی موسسات سود خود را برای تداوم بقای کاری خود آن‌چنان پایین می‌آورند که توجیه‌پذیر نیست و رقابتی بی‌پایه و اساس را شکل می‌دهند که

اصلاح ساختار سازمان‌ها

ضرورتی برای فعالیت حرفه‌ای

حسابرسان

محمد افسری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی آگاه‌نگر



نسل جدید موسسات حسابرسی در ایران بسیار جوان و نوپاست و وجود یک سری مشکلات و تنگناها در ابتدای راه دور از انتظار نیست. اما مهم آن است که ساختار جامعه‌ی حرفه‌ای به نحوی طراحی و سازمان‌دهی شود که به‌سرعت این مشکلات برطرف و به یک نظام صحیح و پویا تبدیل شود. به‌ویژه با توجه به تخصص و تجربه‌ی بالای همکاران حرفه‌ای و امکان استفاده از الگوهای پیشرفته‌ی جامعه‌ی بشری و نهادها و موسسات با سابقه‌ی جهانی، این امر به‌سهولت قابل انجام است.

طبعاً جامعه‌ی حسابرسی با سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه از جمله سازمان‌های بوروکراتیک و ناکارآمدی مثل تامین اجتماعی و بازنشستگی، مالیاتی، بورس و سایر سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در رابطه‌ی نزدیک بوده و از نقاط ضعف و مشکلات آن‌ها مصون نمانده است. ضمن این‌که استقرار نظام صحیح و درست در

در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرسان افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

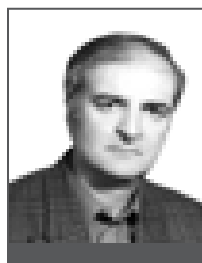
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدور بخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید درخصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی

باعث شده تا دانشجویان حسابداری نسبت به برخی رشته‌ها کم‌تر نگران آینده شغلی خود باشند.

اگرچه برخی همکاران از نبود بازار کار مناسب گله می‌کنند و توقع درآمد روزافزون دارند اما هیچ موسسه‌ی حسابداری بی‌کار نبوده و حتی نسبت به سایر حرفه‌ها از بازار کار بهتری برخوردار هستند. با وجود بازار خدمات مناسب باز هم گرفتن کار یکی از دغدغه‌های موسسات حسابداری است و از آن‌جا که ضابطه‌ی مشخصی برای تعیین نرخ‌ها وجود ندارد، رقابت بی‌اساسی برای گرفتن کار شکل می‌گیرد. این در حالی است که سازمان حسابداری بهای مشخصی بر اساس درآمد، فروش، هزینه‌ها و... دارد که معمولاً بسیار بیش‌تر از نرخ حسابداری در موسسات حسابداری است. مشخص نبودن حداقل و حداکثر نرخ خدمات موجب تفاوت نرخ بین قراردادهای موسسات حسابداری شده است.

دیگر مشکل موسسات حسابداری را می‌توان نبود نیروی کار مناسب دانست. بسیاری از کسانی که به موسسات حسابداری برای کار مراجعه می‌کنند فاقد تجربه و دانش کافی بوده و بسیاری از آن‌ها در موسسات آموزش دیده و بعد از این‌که کارآموده شدند با پیشنهاد حقوق بالاتر جذب شرکت‌ها می‌شوند و در واقع موسسات حسابداری به محلی برای آموزش و سکوی پرتاب فارغ‌التحصیلان حسابداری تبدیل شده است. به نحوی که مدیران یا در حال آموزش به نیروها هستند یا به دنبال نیروی مناسب سرگردانند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های بازآموزی برای هیات مدیره‌ی موسسات مناسب باشد و به ارتقای دانش مدیران براساس اطلاعات روز یاری کند. تاکنون آزمون و دوره‌ای برای مدیران برگزار نشده است.

بازار خدمات حسابداری در آینده بسیار مناسب ارزیابی می‌شود با افزایش شرکت‌های بخش خصوصی و ادغام موسسات حسابداری و تاسیس موسسات بزرگ حسابداری انتظار می‌رود نه تنها در بخش گزارش‌های برون‌سازمانی شرکت‌ها برای گرفتن وام، بلکه بسیاری از شرکت‌ها داوطلبانه برای بهره‌گیری از خدمات حسابداری اقدام کنند.



هنوز خانه‌زاد هستیم

مجید صفاتی

شریک مدیریت ره‌یافت و همکاران

این را که هنوز بازار خدمات حسابداری در ایران با چالش‌های جدی و آشکاری مواجه است را می‌توان در چندین مقوله مورد بررسی قرار داد. نخست، نوع نگاه حاکم بر حرفه‌ی ماست. هنوز همان نگاه خانه‌زادی پیشین در مردمان سرزمین ما سایه افکنده و تداوم دارد. دیگر آن‌که مباحثی که دانشجو در کلاس از استاد

می‌آموزد و حفظ می‌کند و معادله‌هایی که حل می‌کند، از مباحث عملی حسابداری فاصله‌ی بسیاری دارد. وجود تناقض آشکار بین تعلیم‌دهندگان با اعمال مشاهده شده از ایشان در سطح دانشجویی را نیز نباید از یاد برد. این همه فاصله در نهایت به سردرگمی نسل جدید امیدوار به آینده منجر می‌شود. از سوی دیگر، عدم تامین سرمایه‌ی لازم و عمده جهت استقرار زیرساخت‌ها سبب می‌شود تا ترکیب موسسات و افراد همکار در آن موسسه که غیرهمگن هم شود و این خود موجب مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌ی خدمات حسابداری در کشور می‌شود.

به گمان من، دیگر موضوعی که باید در این بین مورد بررسی قرار گیرد، نیازهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موسسات حسابداری است که کمبود آن در این موسسات، بازار خدمات حسابداری را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

مقوله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم عدم شناسایی صلاحیت‌های تاییدشده است. به این معنا که اعتبار عضو جامعه در بانک کم‌تر از یک مغازه‌دار است. از نظر بانکداران اعتبار پروانه‌ی کسب جهت استفاده از تسهیلات بانکی، از اعتبار ما حساب‌برسان بیشتر است. در واقع این کارت ما پشتوانه‌ای برای ما محسوب نمی‌شود.

عدم الزام عملی به رعایت اخلاقی و توسط همکاران و حضور در رقابت‌های ناسالم و عدم تعریف جایگاه حساب‌برسان در جامعه، از دیگر مقوله‌هاست. از سوی دیگر، وجود دو روحیه‌ی متفاوت در تقسیم کار زمینه‌ای فراهم کرده تا یک شاخه‌ی آن به «تقسیم کار کوپنی بدون توجه به کیفیت موسسات» و یا «تقسیم کار با اعمال نظر از سوی مسئولان و تقسیم‌کنندگان کار با توجه به آثار رویه‌های غیر اخلاقی» در میان ما رواج یابد.

عدم نگاه به بیرون از مرزها و استفاده‌ی عنوانی از نمایندگی‌های خارجی در رقابت‌های خارجی، عدم توجه کافی به خود مدیر و حذف مدیران دارای جایگاه و تفکر مالی اقتصادی حتی در صحنه‌های سیاسی با نگاه جلب رضایت اکثریت غالب به جای منافع ملی، پرداخت بی‌حساب و کتاب در تشکیلات غیرخصوصی و عدم حضور نیروهای فعال بخش مذکور در بخش خصوصی و عافیت طلب شدن آنان، تحت پوشش بودن و پنهان شدن افراد حرفه‌ای در موسسات غیرخصوصی و عدم پاسخ‌گویی به گروه‌های ناظر، از دیگر موضوعاتی است که باید در حوزه‌ی بازار خدمات حسابداری در ایران مورد بررسی قرار گیرد. حتی احتیاط گروه‌های ناظر و تشکل‌ها در برخورد با آن‌ها به این‌جا رسیده است که نگاه حاکم بر جامعه به سمت بی‌توجهی به زحمات تحمل‌شده توسط افراد حرفه‌ای و انگشت اتهام دراز کردن به سمت کلیه‌ی حساب‌برسان ختم شود. متأسفانه القای این نظر از کلاس‌های دانشگاهی آغاز می‌شود که خود تولیدکننده‌ی همکاران موسسات حسابداری هستند.

در نهایت، می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که متأسفانه نگاه به حسابداران به عنوان میرزای حجره در فرهنگ سنتی و تنزل جایگاه آنان در دوران جدید موجب شده است که اکنون دیگر ما معتمد مشتریانمان نباشیم.

در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرس افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

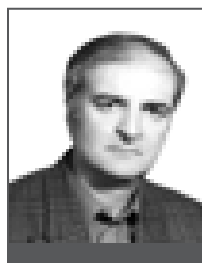
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدوربخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید درخصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی

گسترش مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری متناسب بوده است؟» این سوال قابل طرح است که مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری نشأت گرفته از محیط اقتصادی و حسابداری جوامع توسعه یافته است. هر چند زحمات و خدمات ارزشمند بانیا مفاهیم نظری حسابداری و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به عنوان زیرساخت بسط و گسترش این حرفه قابل ستایش است، اما این حقیقت که این مفاهیم و استانداردها برگرفته از محیط اقتصادی کشورهای توسعه یافته است که متناسب با شرایط توسعه‌ی ما نیست، برکسی پوشیده نیست.

اما برای رسیدن به جواب سوال اصلی پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- آیا رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به استثنای صنایع خاص، به مراتب بیش از نیاز استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی نبوده است؟ آیا محیط اقتصادی و حسابداری ایران هماهنگ با این میزان مفاهیم، رشد و توسعه داشته است؟
- آیا جامعه‌ی حرفه‌ای منابع انسانی و کارشناسان حرفه‌ای و باتجربه، شرایط متناسب با رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری را دارا هستند؟

- آیا امکانات و تجهیزات فنی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سیستم‌های اطلاعات حسابداری و حسابداری متناسب با توسعه‌ی دانش محض حسابداری و حسابداری گسترش یافته است؟

- با گسترش دانش محض حسابداری و حسابداری قوانین و مقررات مرتبط، از جمله قوانین حقوقی، تجارت و مالیاتی چه میزان تحول یافته‌اند؟ رشد و توسعه‌ی اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی را در مسیر علمی، تجربی و فنی رهنمون خواهد کرد و به‌عنوان تنها عامل استراتژیک برای رفع موانع و مخاطرات موجود در زمینه‌ی برون‌رفت از شرایط نامساعد حرفه‌ای کنونی در ایران این عامل استراتژیک نیاز به برنامه‌سازی کلان و بلندمدت (حداقل ده‌ساله) و تغییر زیرساخت‌های موجود دارد و تحقق نیافتن رشد و توسعه‌ی اقتصادی عامل بازدارنده و غیر قابل کنترلی در پهنه‌ی ترویج نظام حرفه‌ای و بسط و گسترش و اعمال کاربردی دانش فنی و حرفه‌ای حسابداری و حسابداری در ایران است. تا زمان تحقق این مهم تأثیرات ناشی از سیستم اقتصاد خرد به عنوان عوامل قابل کنترل، نقش لازم را ایفا می‌کند و می‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل غیراستراتژیک و کوتاه‌مدت یا میان‌مدت یاد کرد. بدون شک شکل‌گیری و انسجام زیرساخت‌های اقتصاد خرد ضابطه‌مندی و ابزارهای قانونی خاص خود را طلب می‌نماید که این امر در درجه‌ی اول با تصویب و اجرای قوانین لازم محقق می‌شود لکن جوامع حرفه‌ای و سازمان‌های نظارتی دولتی و غیردولتی نیز با تدوین مقررات و دستورالعمل‌های لازم و پرهیز از دوباره‌کاری و کاغذبازی می‌توانند به گونه‌ای موثر ایفای نقش نمایند. نمونه عوامل خرد سیستم اقتصادی عبارتند از:
- قانون‌مندی‌سازی سیستم اقتصاد خرد و حذف قوانین موازی و دست‌وپاگیر و دوری از روابط موجود در کلیه‌ی زمینه‌های اقتصادی.
- اجتناب از تداخل کار و مسئولیت نهادها و دستگاه‌های موازی از قبیل جامعه‌ی حسابداران رسمی، بورس و سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی.
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران رسمی و بورس اوراق بهادار در تدوین مقررات و دستورالعمل‌ها
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران و بورس با جامعه‌ی حرفه‌ای ایران و پاسخ‌گویی متقابل.

- اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای موجود.

- تغییر ساختار موجود موسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات تخصصی و حرفه‌ای به ترتیبی که موسسات کوچک ادغام شوند و ضابطه‌مندی درست و منصفانه با رعایت کامل مقررات آیین رفتار حرفه‌ای برای ارجاع کار به موسسات اعم از بزرگ و کوچک جایگزین شرایط موجود شود.
- اعمال نظارت قوی بر فعالیت موسسات ارائه‌کننده‌ی خدمات در جهت رعایت کامل استقلال حرفه‌ای نظارت و مراقبت، آموزش و کنترل کیفیت.
- اعمال دستورالعمل‌های مطمئن برای ارجاع کار و نرخ‌بندی قراردادهای نظارت قوی برای جلوگیری از شکل‌گیری روابط در ارجاع کار.
- تدوین قوانین و مقررات به منظور جلوگیری از فعالیت افراد غیر عضو یا غیر متخصص.

- تدوین قوانین و مقررات به منظور فراگیر شدن خدمات حرفه‌ای و اعتباربخشی در سطح کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد الزام برای اشخاصی که الزام قانونی ندارند.

- اصلاح شرایط و مناسبات حسابداری مالیاتی که استقلال حرفه‌ای را از جامعه‌ی حسابداران رسمی سلب و خدشه‌دار کرده است.

درخاتمه، رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود ضابطه‌مندی توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای را به دنبال دارد و تا تحقق چنین شرایطی وجود و جایگزینی ضابطه‌مندی مستقل و قانونمند توزیع فعالیت‌های حرفه‌ای به جای شرایط توزیع زبان‌بار فعلی ضرورت اساسی جامعه حرفه‌ای است که در صورت کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آن درآینده با چالش‌های بیش‌تری در این زمینه مواجه خواهیم شد.

بازار کار حسابداری مناسب است

محمد صالح

عضو هیات مدیره موسسه حسابداری و خدمات مالی آریا به‌روش

بازار کار خدمات حسابداری اگرچه به دلیل نبود مرجع تعیین‌کننده‌ی حداقل و حداکثر نرخ خدمات منجر به تفاوت آشکار قیمت در موسسات مختلف شده است که خود یکی از مشکلات موسسات حسابداری است اما خدمات حسابداران مورد توجه جامعه بوده و بازار کار مناسبی را برای آن‌ها رقم زده است. در حال حاضر، بیش‌تر شرکت‌های خصوصی نیازمند خدمات مالی و مشاوره‌ای حسابداری هستند و می‌توان گفت در فضای کنونی برای همه‌ی موسسات حسابداری کار وجود دارد که این موضوع - اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای

در این بازار بد کاری، می‌بینیم موسسات را ملزم می‌کنند که مثلاً ۱۰۰ ساعت برای کارمندان‌شان آموزش حسابرسی داشته باشند. موسسات با کدام پول و درآمد می‌توانند این خدمات را هم ارائه دهند؟ از طرف دیگر، در موسسات بسیاری از کارمندان نسبت به پایین بودن حقوق‌شان گله‌مند هستند که من معتقدم این شرایط به دلیل همان توزیع ناعادلانه کار انجام می‌شود.

در همه جای دنیا موسسات حسابرسی از جایگاه بالایی برخوردارند، چون برای انجام معامله با شرکت‌ها به دفاتر حسابرسی آنها توجه دارند. متأسفانه در کشور ما چون از طریق دانش حسابرسی صورت‌های مالی حل نمی‌شود لذا موسسات هم چنین جایگاهی را ندارند.

کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی، مشکل حسابرسان

کامران سلیمی

مدیر عامل موسسه حسابرسی امین حسابرسان افق

مهم‌ترین مشکل اقتصادی موسسات حسابرسی، کاهش نقدینگی شرکت‌های مورد رسیدگی در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ است که باعث شده بسیاری از مطالبات موسسات حسابرسی در مقاطع کوتاه‌مدت وصول نشود. ضمن این‌که هزینه‌های پرسنلی و سایر موارد قانونی پرسنلی و مالیات‌های متعلقه هر ساله روبه‌فزونی است. در چنین شرایطی تداوم فعالیت موسسات حسابرسی در گرو حمایت‌های دولت در رابطه با تعیین نرخ خدمات حسابرسی و اعمال معافیت‌های مالیاتی توسط دولت است. حسابرسان در تمام دنیا از جایگاه ویژه‌ای، چه در بخش اقتصادی و چه در بخش فرهنگی، برخوردار هستند منتهی در ایران چنین جایگاه ویژه‌ای برای حسابرسان وجود نداشته و در مقایسه با سایر کشورها می‌توان ۵۰ درصد جایگاه اقتصادی را به ایران اختصاص داد.

اما بازار خدمات حسابرسان در سال جدید نسبت به سال‌های گذشته اندکی بهتر و به سطح مناسب نزدیک شده است. اما بخش عمده‌ای از خدمات حسابرسی در اختیار ۵ تا ۱۰ موسسه‌ی بزرگ حسابرسی بوده و سایر موسسات بی‌بهره مانده‌اند.

استقلال و امنیت شغلی: پارادوکس حسابرسان

غلامرضا شجری

مدیر عامل موسسه حسابرسی و خدمات مالی سامان پندار

پارادوکس استقلال و امنیت شغلی حسابرسان مهم‌ترین مشکل موسسات حسابرسی است. در کنار آن، می‌توان عدم امکان سازوکاری برای تبلیغات مناسب حرفه‌ای، ارجحیت قیمت بر کیفیت در جذب حسابرسی توسط مشتری، فقدان فرهنگ حسابرسی در جامعه، چالش‌های متعمد بودن در سازمان بورس اوراق بهادار، نقاط ضعف موجود در نظام ارزیابی مؤسسات،

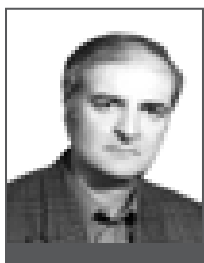
پوشش ناکافی چتر حسابرسی در اقتصاد ایران، فقدان نیروهای کیفی ماندگار در مؤسسات حسابرسی را نام برد. همچنین بی‌توجهی مدیران به امر حسابداری و حسابرسی، گسترش روحیه‌ی رفع تکلیف در الزامات ارائه‌ی گزارش حسابرسی توسط مشتریان، فقدان سازوکار ادغام مؤسسات کوچک، عدم توازن در بارگیری نیروها در کل سال و فقدان توافق‌نامه‌ی تی‌پ برای شراکت شرکای موسسه‌ی حسابرسی از دیگر مشکلات پیش روی موسسات حسابرسی است.

اما چرایی فعالیت موسسات حسابرسی با توجه به این مشکلات را می‌توان ناشی از عشق به کار، فداکاری، حرفه‌ای بودن حسابرسان، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی دانست. ضمن این‌که افزایش خدمات حرفه‌ای مجاز در مقایسه با مبالغ دریافتی کم به‌نفع مشتری است.

موارد فوق بخشی از عواملی است که موجب شده فعالیت حرفه‌ای حسابرسان با توجه به مشکلات فراوان مؤسسات حسابرسی متوقف نشود.

اما بازار خدمات حسابرسی در ایران با توجه به الزامات قانونی، به‌ویژه صدوربخشنامه‌هایی در این راستا، منجر به گسترش اندک این بازار شده است. اما این بازار صرفاً محدود به عملیات حسابرسی صورت‌های مالی است، نه سایر خدمات حرفه‌ای که این خود یکی از مشکلات موسسات حسابرسی است.

جایگاه اقتصادی مؤسسات نیز بنا به بخشی از مشکلات پیش گفته چندان مطلوب نیست اما به سبب تخصصی و حرفه‌ای بودن عملیات و نیروهای مؤسسه، همچنین ضریب نسبتاً مناسب وصول مطالبات، مؤسسات بزرگ را از جایگاه و پایگاه اقتصادی نسبتاً مناسبی برخوردار کرده است.



خدمات اعتبار بخشی و محدودیت‌ها، مشکلات و موانع جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

فرزاد سنندجی

عضو هیات مدیره موسسه حسابرسی و خدمات مالی کوشش

«آیا حرفه‌ی حسابرسی در این مرزوبوم مظلوم و مغضوب واقع شده؟» تاجایی که نگارنده به یاد دارد، تحقیق علمی در این باره انجام نشده و شاید موضوع مناسبی برای جامعه‌ی حرفه‌ای و تحقیق دانشجویان مقاطع مربوط باشد. بی‌تردید به عدد مدیران و حسابرسان باتجربه، پاسخی برای این سوال وجود دارد و اگر تجارب و فعالیت حسابرسی را کم‌وبیش با جمع‌آوری و پردازش اطلاعات در تحقیقات میدانی مقایسه کنیم، آن‌گاه به فرضیه‌ها، گستردگی آزمون و چه‌بسا اثبات و نفی‌ها و نظریه‌هایی مفید درخصوص این حرفه خواهیم رسید. سوال بالا، سوال‌های مهم‌تر و فرضیه‌ی مهم‌تری را به دنبال دارد. فرضیه‌ی اصلی این است «آیا رشد و توسعه‌ی اقتصادی

گسترش مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری متناسب بوده است؟» این سوال قابل طرح است که مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری نشأت گرفته از محیط اقتصادی و حسابداری جوامع توسعه یافته است. هر چند زحمات و خدمات ارزشمند بانیا مفاهیم نظری حسابداری و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به عنوان زیرساخت بسط و گسترش این حرفه قابل ستایش است، اما این حقیقت که این مفاهیم و استانداردها برگرفته از محیط اقتصادی کشورهای توسعه یافته است که متناسب با شرایط توسعه‌ی ما نیست، برکسی پوشیده نیست.

اما برای رسیدن به جواب سوال اصلی پرسش‌هایی مطرح می‌شود:

- آیا رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری در ایران به استثنای صنایع خاص، به مراتب بیش از نیاز استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی نبوده است؟ آیا محیط اقتصادی و حسابداری ایران هماهنگ با این میزان مفاهیم، رشد و توسعه داشته است؟
- آیا جامعه‌ی حرفه‌ای منابع انسانی و کارشناسان حرفه‌ای و باتجربه، شرایط متناسب با رشد کمی و کیفی مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری و حسابداری را دارا هستند؟

- آیا امکانات و تجهیزات فنی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و سیستم‌های اطلاعات حسابداری و حسابداری متناسب با توسعه‌ی دانش محض حسابداری و حسابداری گسترش یافته است؟

- با گسترش دانش محض حسابداری و حسابداری قوانین و مقررات مرتبط، از جمله قوانین حقوقی، تجارت و مالیاتی چه میزان تحول یافته‌اند؟ رشد و توسعه‌ی اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی را در مسیر علمی، تجربی و فنی رهنمون خواهد کرد و به‌عنوان تنها عامل استراتژیک برای رفع موانع و مخاطرات موجود در زمینه‌ی برون‌رفت از شرایط نامساعد حرفه‌ای کنونی در ایران این عامل استراتژیک نیاز به برنامه‌سازی کلان و بلندمدت (حداقل ده‌ساله) و تغییر زیرساخت‌های موجود دارد و تحقق نیافتن رشد و توسعه‌ی اقتصادی عامل بازدارنده و غیر قابل کنترلی در پهنه‌ی ترویج نظام حرفه‌ای و بسط و گسترش و اعمال کاربردی دانش فنی و حرفه‌ای حسابداری و حسابداری در ایران است. تا زمان تحقق این مهم تأثیرات ناشی از سیستم اقتصاد خرد به عنوان عوامل قابل کنترل، نقش لازم را ایفا می‌کند و می‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل غیراستراتژیک و کوتاه‌مدت یا میان‌مدت یاد کرد. بدون شک شکل‌گیری و انسجام زیرساخت‌های اقتصاد خرد ضابطه‌مندی و ابزارهای قانونی خاص خود را طلب می‌نماید که این امر در درجه‌ی اول با تصویب و اجرای قوانین لازم محقق می‌شود لکن جوامع حرفه‌ای و سازمان‌های نظارتی دولتی و غیردولتی نیز با تدوین مقررات و دستورالعمل‌های لازم و پرهیز از دوباره‌کاری و کاغذبازی می‌توانند به گونه‌ای موثر ایفای نقش نمایند. نمونه عوامل خرد سیستم اقتصادی عبارتند از:
- قانون‌مندی‌سازی سیستم اقتصاد خرد و حذف قوانین موازی و دست‌وپاگیر و دوری از روابط موجود در کلیه‌ی زمینه‌های اقتصادی.
- اجتناب از تداخل کار و مسئولیت نهادها و دستگاه‌های موازی از قبیل جامعه‌ی حسابداران رسمی، بورس و سازمان امور مالیاتی و نهادهای نظارتی.
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران رسمی و بورس اوراق بهادار در تدوین مقررات و دستورالعمل‌ها
- هماهنگی اطلاعاتی جامعه‌ی حسابداران و بورس با جامعه‌ی حرفه‌ای ایران و پاسخ‌گویی متقابل.

- اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای موجود.

- تغییر ساختار موجود موسسات ارائه‌دهنده‌ی خدمات تخصصی و حرفه‌ای به تریبی که موسسات کوچک ادغام شوند و ضابطه‌مندی درست و منصفانه با رعایت کامل مقررات آیین رفتار حرفه‌ای برای ارجاع کار به موسسات اعم از بزرگ و کوچک جایگزین شرایط موجود شود.
- اعمال نظارت قوی بر فعالیت موسسات ارائه‌کننده‌ی خدمات در جهت رعایت کامل استقلال حرفه‌ای نظارت و مراقبت، آموزش و کنترل کیفیت.
- اعمال دستورالعمل‌های مطمئن برای ارجاع کار و نرخ‌بندی قراردادهای نظارت قوی برای جلوگیری از شکل‌گیری روابط در ارجاع کار.
- تدوین قوانین و مقررات به منظور جلوگیری از فعالیت افراد غیر عضو یا غیر متخصص.

- تدوین قوانین و مقررات به منظور فراگیر شدن خدمات حرفه‌ای و اعتباربخشی در سطح کلیه‌ی فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد الزام برای اشخاصی که الزام قانونی ندارند.

- اصلاح شرایط و مناسبات حسابداری مالیاتی که استقلال حرفه‌ای را از جامعه‌ی حسابداران رسمی سلب و خدشه‌دار کرده است.

درخاتمه، رشد و توسعه‌ی اقتصادی خود ضابطه‌مندی توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای را به دنبال دارد و تا تحقق چنین شرایطی وجود و جایگزینی ضابطه‌مندی مستقل و قانونمند توزیع فعالیت‌های حرفه‌ای به جای شرایط توزیع زبان‌بار فعلی ضرورت اساسی جامعه حرفه‌ای است که در صورت کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آن درآینده با چالش‌های بیش‌تری در این زمینه مواجه خواهیم شد.

بازار کار حسابداری مناسب است

محمد صالح

عضو هیات مدیره موسسه حسابداری و خدمات مالی آریا بهروش

بازار کار خدمات حسابداری اگرچه به دلیل نبود مرجع تعیین‌کننده‌ی حداقل و حداکثر نرخ خدمات منجر به تفاوت آشکار قیمت در موسسات مختلف شده است که خود یکی از مشکلات موسسات حسابداری است اما خدمات حسابداران مورد توجه جامعه بوده و بازار کار مناسبی را برای آن‌ها رقم زده است. در حال حاضر، بیش‌تر شرکت‌های خصوصی نیازمند خدمات مالی و مشاوره‌ای حسابداری هستند و می‌توان گفت در فضای کنونی برای همه‌ی موسسات حسابداری کار وجود دارد که این موضوع - اشاعه‌ی فرهنگ حسابداری و حسابداری موجود از طریق قانون‌مندی‌سازی به وسیله‌ی نهادهای

باعث شده تا دانشجویان حسابداری نسبت به برخی رشته‌ها کم‌تر نگران آینده شغلی خود باشند.

اگرچه برخی همکاران از نبود بازار کار مناسب گله می‌کنند و توقع درآمد روزافزون دارند اما هیچ موسسه‌ی حسابداری بی‌کار نبوده و حتی نسبت به سایر حرفه‌ها از بازار کار بهتری برخوردار هستند. با وجود بازار خدمات مناسب باز هم گرفتن کار یکی از دغدغه‌های موسسات حسابداری است و از آن‌جا که ضابطه‌ی مشخصی برای تعیین نرخ‌ها وجود ندارد، رقابت بی‌اساسی برای گرفتن کار شکل می‌گیرد. این در حالی است که سازمان حسابداری بهای مشخصی بر اساس درآمد، فروش، هزینه‌ها و... دارد که معمولاً بسیار بیش‌تر از نرخ حسابداری در موسسات حسابداری است. مشخص نبودن حداقل و حداکثر نرخ خدمات موجب تفاوت نرخ بین قراردادهای موسسات حسابداری شده است.

دیگر مشکل موسسات حسابداری را می‌توان نبود نیروی کار مناسب دانست. بسیاری از کسانی که به موسسات حسابداری برای کار مراجعه می‌کنند فاقد تجربه و دانش کافی بوده و بسیاری از آن‌ها در موسسات آموزش دیده و بعد از این‌که کارآموده شدند با پیشنهاد حقوق بالاتر جذب شرکت‌ها می‌شوند و در واقع موسسات حسابداری به محلی برای آموزش و سکوی پرتاب فارغ‌التحصیلان حسابداری تبدیل شده است. به نحوی که مدیران یا در حال آموزش به نیروها هستند یا به دنبال نیروی مناسب سرگردانند.

از طرف دیگر به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های بازآموزی برای هیات مدیره‌ی موسسات مناسب باشد و به ارتقای دانش مدیران براساس اطلاعات روز یاری کند. تاکنون آزمون و دوره‌ای برای مدیران برگزار نشده است.

بازار خدمات حسابداری در آینده بسیار مناسب ارزیابی می‌شود با افزایش شرکت‌های بخش خصوصی و ادغام موسسات حسابداری و تاسیس موسسات بزرگ حسابداری انتظار می‌رود نه تنها در بخش گزارش‌های برون‌سازمانی شرکت‌ها برای گرفتن وام، بلکه بسیاری از شرکت‌ها داوطلبانه برای بهره‌گیری از خدمات حسابداری اقدام کنند.



هنوز خانه‌زاد هستیم

مجید صفاتی

شریک مدیریت ره‌یافت و همکاران

این را که هنوز بازار خدمات حسابداری در ایران با چالش‌های جدی و آشکاری مواجه است را می‌توان در چندین مقوله مورد بررسی قرار داد. نخست، نوع نگاه حاکم بر حرفه‌ی ماست. هنوز همان نگاه خانه‌زادی پیشین در مردمان سرزمین ما سایه افکنده و تداوم دارد. دیگر آن‌که مباحثی که دانشجو در کلاس از استاد

می‌آموزد و حفظ می‌کند و معادله‌هایی که حل می‌کند، از مباحث عملی حسابداری فاصله‌ی بسیاری دارد. وجود تناقض آشکار بین تعلیم‌دهندگان با اعمال مشاهده شده از ایشان در سطح دانشجویی را نیز نباید از یاد برد. این همه فاصله در نهایت به سردرگمی نسل جدید امیدوار به آینده منجر می‌شود. از سوی دیگر، عدم تامین سرمایه‌ی لازم و عمده جهت استقرار زیرساخت‌ها سبب می‌شود تا ترکیب موسسات و افراد همکار در آن موسسه که غیرهمگن هم شود و این خود موجب مشکلات عدیده‌ای در حوزه‌ی خدمات حسابداری در کشور می‌شود.

به گمان من، دیگر موضوعی که باید در این بین مورد بررسی قرار گیرد، نیازهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موسسات حسابداری است که کمبود آن در این موسسات، بازار خدمات حسابداری را با چالش‌های عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

مقوله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم عدم شناسایی صلاحیت‌های تاییدشده است. به این معنا که اعتبار عضو جامعه در بانک کم‌تر از یک مغازه‌دار است. از نظر بانکداران اعتبار پروانه‌ی کسب جهت استفاده از تسهیلات بانکی، از اعتبار ما حساب‌برسان بیشتر است. در واقع این کارت ما پشتوانه‌ای برای ما محسوب نمی‌شود.

عدم الزام عملی به رعایت اخلاقی و توسط همکاران و حضور در رقابت‌های ناسالم و عدم تعریف جایگاه حساب‌برسان در جامعه، از دیگر مقوله‌هاست. از سوی دیگر، وجود دو روحیه‌ی متفاوت در تقسیم کار زمینه‌ای فراهم کرده تا یک شاخه‌ی آن به «تقسیم کار کوپنی بدون توجه به کیفیت موسسات» و یا «تقسیم کار با اعمال نظر از سوی مسئولان و تقسیم‌کنندگان کار با توجه به آثار رویه‌های غیر اخلاقی» در میان ما رواج یابد.

عدم نگاه به بیرون از مرزها و استفاده‌ی عنوانی از نمایندگی‌های خارجی در رقابت‌های خارجی، عدم توجه کافی به خود مدیر و حذف مدیران دارای جایگاه و تفکر مالی اقتصادی حتی در صحنه‌های سیاسی با نگاه جلب رضایت اکثریت غالب به جای منافع ملی، پرداخت بی‌حساب و کتاب در تشکیلات غیرخصوصی و عدم حضور نیروهای فعال بخش مذکور در بخش خصوصی و عافیت‌طلب شدن آنان، تحت پوشش بودن و پنهان شدن افراد حرفه‌ای در موسسات غیرخصوصی و عدم پاسخ‌گویی به گروه‌های ناظر، از دیگر موضوعاتی است که باید در حوزه‌ی بازار خدمات حسابداری در ایران مورد بررسی قرار گیرد. حتی احتیاط گروه‌های ناظر و تشکل‌ها در برخورد با آن‌ها به این‌جا رسیده است که نگاه حاکم بر جامعه به سمت بی‌توجهی به زحمات تحمل‌شده توسط افراد حرفه‌ای و انگشت اتهام دراز کردن به سمت کلیه‌ی حساب‌برسان ختم شود. متأسفانه القای این نظر از کلاس‌های دانشگاهی آغاز می‌شود که خود تولیدکننده‌ی همکاران موسسات حسابداری هستند.

در نهایت، می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که متأسفانه نگاه به حسابداران به عنوان میرزای حجره در فرهنگ سنتی و تنزل جایگاه آنان در دوران جدید موجب شده است که اکنون دیگر ما معتمد مشتریانمان نباشیم.